

# ایران



چهارشنبه، ۱۷ تیر ۱۴۰۵  
سال سی و دوم، شماره ۹۰۶۷  
۱۶ صفحه، ۱۵۰۰۰ تومان

Iran  
Newspaper

ISSN1027-1449  
Keytitle: IRAN (Tehran)

irannewspaper.ir

و د ا ع  
م ل م

## از جمران تا بی کران

مراسم تشییع رهبر شهید با حضور میلیونی ایرانیان در قم برگزار شد





گزارش

## آیین تشییع آیت‌الله خامنه‌ای امروز در نجف و کربلای معلی می‌یابد عراق آماده میزبانی از رهبر شهید ایران

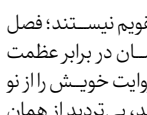
### نخست وزیر عراق امروز را تعطیل رسمی اعلام کرد

**گروه سیاسی-** پس از دریای انسانی که خیابان‌های پایتخت را به صحنه داعی کم‌نظیر تبدیل کرد و آیین باشکوهی که در قم؛ کانون و نماد پیوند مرجعیت و انقلاب برگزار شد؛ روایت بدرقه آقای شهید ایران از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفت تا در امتداد جغرافیایی معنوی جهان تشییع ادامه یابد و با برگزاری تشییع در شهرهای نجف بارگاه مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) و کربلای حسینی به صحنه‌ای برای به نمایش درآمدن دوباره گستره امت اسلامی و اتحاد فراملی آن تبدیل شود. پیکر رهبر شهید که عصر سه‌شنبه در حلقه هیأت عالی رتبه‌ای از مقامات کشورمان از جمله مسعود پزشکیان رئیس جمهوری، عباس عراقچی وزیر امور خارجه و تعدادی دیگر از مقامات عالی رتبه وارد عراق شد، امروز از ساعت ۶ صبح در نجف و بعداً ظهر در کربلا تشییع خواهد شد.

تشییع در دو شهری که به وجود حرمین مقدس امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) متبرک است اما در عمق خود نشان و تجلی از همبستگی و وحدت دو ملت ایران و عراق و فراتر از آن نماد جایگاه والای ولایت میان همه مسلمانان و شیعیان منطقه دارد. تا آنجا که پیش‌بینی می‌شود بدرقه رهبر شهید در عراق با وسعت و جمعیتی همانند آنچه در تهران نمودار شد، برگزار شود. سردار قالی فرمانده نیروی قدس سپاه تشییع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای در عراق را نماد محکم‌تر شدن مشت‌های دو ملت علیه فتنه‌های آمریکایی توصیف کرد و در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ویراستی نوشت: «مطالبه تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی و برنامه‌ریزی گسترده برای این واقعه تاریخی توسط دولت و ملت عراق، عمق پیوند معنوی دو ملت بزرگ عراق و ایران را به همه جهانیان نشان می‌دهد.»

وی با یادآوری حمایت رهبری شهید از مردم بزرگ عراق و به میدان آمدن مرجعیت عزیز که باعث نبرد شهید سلیمانی در کنار جوانان فدakar عراق با داعش و آمریکای منجاوز شد، افزود: «تشییع بی‌نظیر پیکر مطهر امام شهیدمان در عراق به مانند تشییع یا عظمت شهیدان سلیمانی و ابومهدی، منکست‌های در هم گره شده دو ملت در برابر فتنه‌های آمریکایی را محکم‌تر و خط سرخ خونخواهی را پررنگ‌تر خواهد ساخت.»

### وداع با معلم یک ملت

علیرضا کاظمی  
وزیر آموزش و پرورش

دولتمردان

بعضی روزها، تنها برگ دیگری از تقویم نیستند؛ فصل تازه‌ای از تاریخ‌اند. روزهایی که زمان در برابر عظمت آنها سرفروزی می‌آورد و ملت‌ها، روایت خویش را از نو می‌نویسند. آیین وداع با رهبر شهید، بی‌تردید از همان روزهای ماندگار تاریخ ایران است؛ روزی که ملت بزرگ ایران، با همه تنوع سلیقه‌ها، زبان‌ها، اقوام و نسل‌ها، در صحنه‌ای کم‌نظیر از همدلی و وفاداری، برای بدرقه فرزندی برخاست که تمام هستی خود را وقف عزت، استقلال، امنیت و سرپرندگی ایران اسلامی کرد.

این حضور باشکوه، تنها یک مراسم سوگواری نبود؛ تجلی سرمایه اجتماعی یک ملت و نمایش پیوند عمیق مردم با آرمان‌هایی بود که هویت امروز ایران را

### عراق آماده برگزاری آیین باشکوه وداع

به گزارش ایرنا و بر اساس اعلام منابع عراقی «علی الزیدی» نخست‌وزیر عراق طی مراسمی در فرودگاه بین‌المللی نجف از پیکر رهبر شهید انقلاب استقبال کرد. نخست‌وزیر عراق همچنین امروز چهارشنبه را به مناسبت تشییع رهبر شهید ایران، در سراسر این کشور تعطیل رسمی اعلام کرد.

روز گذشته همچنین آستان مقدس حسینی از آماده‌سازی حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) برای اقامه نماز پرپیکر رهبر شهید خبر داد و اعلام کرد که این نماز را شیخ «عبدالمهدی الکر بلائی» نماینده آیت‌الله سیستانی مرجعیت عالی دینی عراق امامت خواهد کرد. استانداران دو استان بابل و کربلای معلی نیز مقاماتی بودند که از آمادگی عراق و استان‌های تحت مسئولیت خود برای برگزاری آیین باشکوه وداع و تشییع پیکر مطهر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) رهبر شهید خبر دادند. «صفی جاسم العطایی» استاندار کربلای معلی به شبکه خبری العهد گفت: «به طور قطع، برگزاری آیین وداع و تشییع پیکر مطهر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) رهبر شهید انقلاب اسلامی، رویدادی بسیار بزرگ است و دولت و ملت عراق اهمیت زیادی برای آن قائل است.»

وی با بیان اینکه این مراسم تشییع نشانه‌ها و پیام‌های مهمی در دل خود خواهد داشت، پیش‌بینی کرد که شمار شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع در استان کربلای معلی بسیار زیاد و چشمگیر باشد.

وی گفت: «آیین تشییع در سه مرحله خواهد بود. مرحله اول، مرحله رسمی و دولتی است که سه‌شنبه شب انجام می‌شود و مرحله دوم، آیین تشییع در نجف اشرف است و مرحله سوم از ساعت ۴ عصر به وقت محلی در استان کربلای معلی برگزار خواهد شد.»

«علی ترکی» استاندار بابل عراق نیز با بیان اینکه «برای ما شرافت بسیار بالایی است که عراقی‌ها در یک ماه دو مناسبت مهم برای هر فرد شیعه را برگزار می‌کنند، ایام محرم و تشییع پیکر رهبر شهید امت هم‌زمان شده‌اند»، گفت: «رهبر شهید از زیارت اجدادش در زمان حیاتش محروم شد و ان‌شاء‌الله درحالی که شهید است و آنها

### گروه سیاسی- روز گذشته و هم‌زمان با ادامه تشییع

پیکر رهبر شهید انقلاب در شهر قم رسانه‌های بین‌المللی به ویژه رسانه‌های انگلیسی زبان برگزاری چهارمین روز از این مراسم را به طور گسترده پوشش دادند.

این رسانه‌ها رویداد تاریخی دیروز در قم و مسجد جمکران را چیزی فراتر از یک «وداع ملی» توصیف کردند. در این بین، تحلیل خبرگزاری رویترز از مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب بیش از همه جلب توجه کرد.

این خبرگزاری انگلیسی در گزارش خود تشییع رهبر شهید ایران را نماد ورود کشورمان به نظم جدید پس از جنگ ارزیابی کرد. رویترز در این رابطه نوشت: مراسم تشییع آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، تنها یک بدرقه ملی نبود. سیل جمعیتی که در تهران حضور یافت، پیامی روشن به آمریکا و اسرائیل ارسال کرد: تلاش آن‌ها برای درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران به جای آنکه کشوری تضعیف‌شده به نظر برسد، خود را کشوری مقاوم، متحد و مصمم برای شکل دادن به مرحله بعدی تحولات معرفی کرد. در ادامه گزارش رویترز آمده است: به گفته مقام‌های منطقه‌ای، دیپلمات‌ها و تحلیلگران، همین روحیه مقاومت و توانایی بقا اکنون پایه راهبرد مذاکره‌ای ایران را تشکیل می‌دهد و مراسم تشییع لحظه‌ای بود که تهران تلاش کرد استقامت را به یک اهرم فشار سیاسی تبدیل کند.

### شگفتی غرب

از طرف دیگر، یک روزنامه سوئدی هم حضور گسترده ایرانیان دلبسته به شهید آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تشییع پیکر ایشان را بازناب داد و نوشت: تصویری که از این مراسم در رسانه‌های ایران انتشار یافته، نشان‌دهنده شرکت میلیون‌ها نفر از مردمی است که تا بابت حامل پیکر رهبر شهید انقلاب را در دل هوای گرم تابستان در شهر تهران مشایعت می‌کنند. روزنامه «سوئدن هرالد» تصریح کرد: «دریایی از مردم» در مراسم شرکت کرده در حالی که بسیاری از آنها پرچم‌های ایران و بنرهای حاوی شعارهای ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی را حمل کرده و به اهتزاز درمی‌آورند.

در همین حال و در ادامه بازناب مراسم تاریخی تشییع آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، شبکه سی‌ان‌ان آمریکا با انتشار فیلمی از این مراسم باشکوه در قم گزارش داد: «مراسم تشییع رهبر فقید ایران روز سه‌شنبه نیز ادامه داشت و در شهر مقدس قم برگزار شد.» دیگر شعارهای ضد آمریکایی یعنی آسوشیتدپرس نیز نوشت: سوگواران ایرانی در شهر قم با حضور گسترده یاد رهبر فقید خود را گرامی داشتند.

### غرب آسیا؛ از نظم جدید منطقه‌ای تا هراس صهیونیست‌ها

در سطح منطقه هم تحلیل‌ها حول تاریخی بودن این مراسم و واقعات جدیدی که پس از این رویداد در غرب آسیا شکل خواهد گرفت جریان داشت. شبکه خبری الجزیره در گزارش خود نوشت: صدها هزار عزادار در مسجد جمکران، واقع در جنوب قم برای مراسم تشییع پیکر آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر فقید ایران گرد هم آمدند. روزنامه الشرق الاوسط چاپ عربستان سعودی هم گزارش داد: تصاویر منتشر شده از قم نشان می‌داد که خیابان‌ها مملو از عزاداران است و جمعیت عظیم حاضر در مراسم، یکصدا شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دادند. کانال ۱۵ رژیم صهیونیستی در تحلیل مراسم روز گذشته اذعان کرد: مردم (آیت‌الله) خامنه‌ای را در

### بازتاب

### رسانه‌های جهان مراسم تشییع رهبر شهید را تحلیل کردند

### ایران محور نظم جدید منطقه‌ای

مقام شهید و مثل یک قدیس تشییع کردند؛ غرب نتوانست ایران را به زانو درآورد و همگی در مراسم تشییع از انتقام سخن گفتند. روزنامه صهیونیستی بدیعت آحارونوت هم نوشت: تشییع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر پیشین ایران با حضور گسترده مردم برگزار شد.

در محافل عربی همچنن، ناظران و تحلیلگران معتقدند که این رویداد تاریخی معادله وحدت عرصه‌های مقاومت را به عنوان یک واقعیت میدانی و سیاسی که فراتر از شعارهای صرف بوده و در جبهه‌های مختلف رویارویی ثابت شده، دوباره به صحنه آورد.

ایهاب شوقی، نویسنده و تحلیلگر معروف مصری اعلام کرد: دشمنان هنوز نفهمیده‌اند که ثرور رهبران برجسته، هرگز مقاومت را تضعیف نمی‌کند، بلکه انگیزه و اراده آن‌ها را افزایش می‌دهد. فرهنگ حسینی از زمان واقعه کربلا همچنان منبع الهام برای مسیر مقاومت و از خودگذشتگی بوده است. وی تأکید کرد مراسم تشییع رهبر شهید مشابه زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است.

وسیم بزی، نویسنده و تحلیلگر سیاسی برجسته لبنانی نیز اظهار کرد: تحولات اخیر مفهوم وحدت عرصه‌های مقاومت را به طور بی‌سابقه‌ای تقویت و آن را از یک مفهوم نظری به یک واقعیت عملی در طول نبرد بازآزادگی که موازنه قدرت در منطقه را از نو ترسیم کرد، تبدیل کرده است.

محمد الحمدا، مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات روافد در تحلیل خود یادآور شد: جمعیت میلیونی که در مراسم تشییع پیکر شهید آیت‌الله خامنه‌ای حاضر شدند، شوک بزرگی به آمریکا و رژیم صهیونیستی که روی فروپاشی محور مقاومت و نظام اسلامی ایران بعد از شهادت ایشان شرط بندی کرده بودند، وارد ساختند.

### بزرگ‌ترین تشییع تاریخ معاصر

افزون بر این موارد، شبکه خبری المیادین با اشاره به اقامه نماز پرپیکر رهبر شهید انقلاب در قم با حضور میلیون‌ها تشییع‌کننده تأکید کرد: تشییع تاریخی رهبر شهید بیانگر حمایت مردم از نظام سیاسی خود و مهر باطنی بر روایت‌های غربی بود. روزنامه لبنانی الاخبار هم طی تحلیلی مفصل با اشاره به حضور میلیون‌ها نفر از اقشار مختلف مردم ایران در مسیری ۲۰ کیلومتری از شرق تا غرب تهران برای وداع تاریخی با آیت‌الله سید علی خامنه‌ای نوشت: در حالی که رسانه‌های غربی ماه‌ها صرف اغراق در مورد اختلافات اجتماعی و فرسایش پایگاه حمایتی نظام کرده بودند، این حضور گسترده تأیید کرد که جمهوری اسلامی همچنان پایه محکمی در جامعه ایران دارد و جنگ اخیر- برخلاف نیت تحریک‌کنندگان آن - وحدت ملی را در برابر دشمن خارجی تقویت کرده و به حل بسیاری از اختلافات سیاسی و اجتماعی کمک کرده است.

### بازتاب تشییع تاریخی در شرق آسیا

خبرگزاری چین شینخوا در مجموعه‌ای، تصویری از حضور گسترده مردم در آیین وداع و تشییع پیکر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را منتشر کرد. این تصاویر، آیین وداع در روز دوازدهم از مصالی امام خمینی (ره) و همچنین مراسم تشییع پیکر رهبر شهید ایران در تهران را به تصویر کشیده است. همچنین روزنامه ستول اکونومیک دلی کره جنوبی به پرتاب سنگ توسط مردم عزادار به تصویری از دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا اشاره کرد و گزارش داد: این عمل از یک آیین اسلامی در مراسم حج الهام گرفته شده است که در آن سنگ‌ها به سمت نماد شیطان پرتاب می‌شوند.



می‌خواهد در علم، فرهنگ، اخلاق و پیشرفت پیشاتاز باشد، راهی جز سرمایه‌گذاری بر مدرسه و تکریم معلم ندارد.

این وداع تاریخی، برای آموزش و پرورش، پایان یک مسیر نیست؛ آغاز عهدی دوباره است. مهدی برای پاسداری از مدرسه، برای اعتدالی جایگاه معلم، برای تربیت نسلی آگاه، مؤمن، خلاق، مسئول و وطن‌دوست؛ نسلی که پرچم عزت ایران را با دانش، اخلاق و تلاش بر دوش خواهد کشید.

به نمایندگی از خانواده بزرگ آموزش و پرورش، باور دارم که وفاداری حقیقی به راه رهبر شهید و همه شهدای والامقام، در ساختن انسان‌هایی تجلی می‌یابد که ایران را با اندیشه، اخلاق، مهارت و امید آباد کنند. این، همان رسالتی است که هر صبح با زنگ آغاز مدرسه، در هزاران کلاس درس این سرزمین جان می‌گیرد و هر روز، آینده ایران را یک صفحه روشن‌تر می‌نویسد.

می‌شود؛ پرورش انسان‌هایی که دانایی را با فضیلت، پیشرفت را با عدالت و دانش را با مسئولیت اجتماعی همراه کنند.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، وظیفه آموزش و پرورش آن است که مدرسه را به کانون امید، همدلی، هویت و مسئولیت‌پذیری تبدیل کند. ما باید نسلی را تربیت کنیم که ایران را نه صرفاً به عنوان سرزمینی برای زیستن، بلکه به عنوان خانه‌ای برای ساختن، آباد کردن و پاسداری از آن بشناسد؛ نسلی که اختلاف‌نظر را مانع همستگی نداند و بداند عزت ایران، بزرگ‌ترین سرمایه مشترک همه ایرانیان است.

معلمان عزیز، واژگان این رسالت بزرگ‌اند. آنان هر روز، بی‌ادعا و صبورانه، آینده این سرزمین را در کلاس‌های درس رقم می‌زنند. هر کلاس، کارگاه امید است؛ هر مدرسه، سنگ‌فرهنگ و هر دانش‌آموز، آمانتی گرانبها در دستان نظام‌تعلیم و تربیت. اگر ایران فردا

در نگاه ایشان تنها آموزش دهنده نبود؛ معمار فرهنگ، هویت و آینده این سرزمین بود.

امروز اگر از اقتدار ملی سخن می‌گوییم، باید بدانیم که هیچ قدرتی پایدارتر از قدرتی نیست که در کلاس‌های کودکی نیست که با آموزش صحیح، به شهروندی مسئول، دانشمندی متعهد، معلمی دلسوز یا مدبری امین برای آینده ایران تبدیل شود. آینده کشور، پیش از آنکه در کارخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها یا مراکز تصمیم‌گیری ساخته شود، بر نیمکت‌های مدرسه و در سایه تلاش معلمان شکل می‌گیرد.

رهبر شهید، همواره بر پیوند علم و اخلاق تأکید داشت. تجربه تلخ جهان معاصر نیز به ما آموخته است که علم بی‌اخلاق، نه آبادانی می‌آفریند و نه امنیت؛ بلکه گاه به ابزار ویرانی انسان و انسانیت تبدیل می‌شود. رسالت آموزش و پرورش نیز دقیقاً از همین نقطه آغاز

ساخته است. در روزگار پرتلاش جهان، این همبستگی ملی، ارزشمندترین سرمایه هر کشوری است؛ سرمایه‌ای که باید آن را شناخت، پاس داشت و به نسل‌های آینده سپرد.

برای خانواده بزرگ آموزش و پرورش، این وداع، معنایی فراتر از بدرقه یک رهبر سیاسی دارد. ما در سوگ معلمی نشستیم که تعلیم و تربیت را زیربنای اقتدار ملی می‌دانست؛ شخصیتی که بارها تأکید کرد آینده ایران نه از پشت میزهای قدرت، بلکه از کلاس‌های درس، از مدرسه، از اندیشه‌های روشن معلمان و از دل‌های پاک دانش‌آموزان آغاز می‌شود.

در منظومه فکری رهبر شهید، مدرسه صرفاً محل آموزش چند کتاب درسی نبود؛ مدرسه، خانه ساختن انسان بود. جایی که علم با اخلاق، ایمان با دانایی، هویت با مسئولیت و امید با تلاش در هم می‌آمیزد و شخصیت نسل آینده شکل می‌گیرد. از همین رو، معلم



روحانی تراز از نگاه رهبر شهید در گفت‌وگو با ابوالحسن نواب، عضو جامعه روحانیت مبارز

# روحانیت باید پاسخگوی مسائل روز باشد

**گروه سیاسی / در روزهایی که مراسم تشییع رهبر شهید به یکی از مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی کشور تبدیل شده است، حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالحسن نواب، عضو جامعه روحانیت مبارز در گفت‌وگو با روزنامه ایران به بررسی ابعاد شخصیتی، فکری و مدیریتی ایشان پرداخت. وی با تأکید بر نقش رهبر انقلاب در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، تبیین جایگاه روحانیت، تقویت استقلال کشور و پیوند میان ایرانی‌ت و اسلامیت، حضور گسترده مردم در مراسم تشییع را نشانه‌ای از انسجام ملی و جایگاه ویژه ایشان در حافظه تاریخی ملت ایران توصیف کرد.**

**مردم ایران با حضور گسترده در مراسم تشییع رهبر شهید، صحنه‌ای کم‌نظیر را رقم زده‌اند. این حضور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به اعتقاد من، مردم ایران امروز صرفاً در مراسم تشییع یک شخصیت سیاسی یا یک مسئول حکومتی حضور پیدا نکرده‌اند؛ بلکه در واقع بخشی از تاریخ، هویت و تمدن معاصر خود را بدرقه می‌کنند. وقتی از شخصیتی سخن می‌گویم که بیش از سه دهه در جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی قرار داشته و پیش از آن نیز دو دوره ریاست جمهوری را تجربه کرده است، در حقیقت درباره بخش قابل توجهی از تاریخ معاصر ایران سخن می‌گویم.

۳۷ سال رهبری کشور، همراه با هشت سال ریاست جمهوری، به معنای دهه‌ها حضور مستمر در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری و هدایت جامعه است. طبیعی است که چنین دوره‌ای، صرفاً یک مسئولیت‌داری یا سیاسی تلقی نشود، بلکه به بخشی از حافظه تاریخی یک ملت تبدیل گردد. از همین رو، مراسم وداع و تشییع را باید فراتر از یک آیین تشییع دانست؛ این مراسم، بدرقه یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است.

در طول این سال‌ها، ایشان کوشیدند اندیشه‌ای را دنبال نمایند که محور اصلی آن، مقاومت در برابر باطل، مقابله با استکبار و ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی بود. این گفتمان، به باور من، به تدریج از مرزهای

ایران و حتی جهان اسلام فراتر رفت و به یک فرهنگ و ادبیات جهانی تبدیل شد. بسیاری از ملت‌ها و جریان‌های استقلال‌خواه، این اندیشه را به عنوان الگویی برای حفظ استقلال و هویت خود مورد توجه قرار دادند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد، مقابله با نظام یک‌قطبی حاکم بر جهان بود؛ نظامی که تلاش می‌کرد یک قدرت، یک فرهنگ و یک الگوی سیاسی را بر همه ملت‌ها تحمیل کند. این مجموعه تحولات، به تدریج از شدت هیمنه نظام یک‌قطبی کاست و جهان را به سمت نوعی موازنه جدید قدرت سوق داد. از این منظر، می‌توان گفت آثار مدیریت و اندیشه ایشان تنها محدود به جغرافیای ایران نبود، بلکه در سطح منطقه و حتی نظام بین‌المللی نیز قابل مشاهده است.

**یکی از موضوعاتی که خود شما همواره درباره آن سخن گفته‌اید، نگاه رهبر شهید به روحانیت است. شما چه مؤلفه‌های متمایزی را در نگاه ایشان به روحانیت قابل تأمل می‌دانید؟**

درباره این موضوع پیش‌تر نیز مقاله‌ای نوشته‌ام و معتقدم نوع مواجهه ایشان با روحانیت، ترکیبی از دلسوزی، همدلی و نقد بود. ایشان از یک سو، عمیقاً نسبت به آینده روحانیت شیعه احساس مسئولیت می‌کردند و معتقد بودند این نهاد باید همچنان نقش تاریخی و تمدنی خود را در جهان اسلام حفظ کند و مرجع اثرگذاری فکری و فرهنگی باقی بماند. در عین حال، این دلسوزی هرگز مانع نقد نمی‌شد.

هر زمان احساس می‌کردند روحانیت به سمت جمود، خمودی، روزمرگی یا فاصله گرفتن از نیازهای زمان حرکت می‌کند، با صراحت نسبت به آن هشدار می‌دادند. ایشان معتقد بودند روحانیت باید همواره زنده، پویا، زمان‌شناس و پاسخگوی مسائل روز باشد و نباید در چارچوب‌های بسته و ایستا متوقف شود.

از نگاه ایشان، روحانی تراز، کسی است که علاوه بر دانش حوزوی، اهل تحقیق، پژوهش، نویسندگی، سخنوری و ارتباط مؤثر با نسل‌های جدید باشد. روحانیت مطلوب، روحانیتی است که مسائل جامعه را بشناسد، با مردم زندگی کند و مسئولیت اجتماعی خود را فراموش نکند.

اگرچه خود ایشان هرگز چنین تعبیری را درباره خویش به کار نمی‌بردند، اما بسیاری از شاگردان و علاقه‌مندان ایشان معتقد بودند که ایشان خود نمونه‌ای از همین الگوی مطلوب بودند؛ شخصی که هم پژوهشگر بود، هم نویسنده، هم سخنران، هم اهل مطالعه و هم پیگیر مستمر مسائل فکری، فرهنگی و اجتماعی. همین ویژگی‌ها سبب شده بود که در کنار جایگاه رهبری، همواره نقش یک معلم و اندیشمند را نیز ایفا کنند.

**اگر بخواهیم به شیوه مدیریت کشور در دوران رهبری ایشان اشاره کنیم، مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را چه می‌دانید؟**

اگر بخواهیم عملکرد ایشان را در عرصه مدیریت کشور مرور کنیم، به نظر من چند محور اساسی پیش از همه قابل توجه است. نخست آنکه ایشان همواره بر استقلال کشور تأکید داشتند و معتقد بودند جمهوری اسلامی باید تا حد امکان در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی، بُعد روان‌شناختی، افزایش ظرفیت‌های دفاعی و حرکت در مسیر استقلال سیاسی، اقتصادی و امنیتی، از جمله سیاست‌هایی بود که به‌طور مستمر دنبال می‌شد.

مخورد دیگر، حمایت از جریان مقاومت بود. ایشان اعتقاد داشتند امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی تنها در مرزهای جغرافیایی کشور تعریف نمی‌شود، بلکه تقویت جبهه مقاومت، بخشی از راهبرد کلان برای حفظ امنیت ملی و دفاع از منافع کشور است. از همین منظر، همواره بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی تأکید می‌کردند.

در کنار این مسائل، توجه به روحیه مردم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. ایشان تلاش داشتند روحیه امید، استقامت و اعتمادبه‌نفس را در جامعه تقویت کنند و این باور را در میان مردم گسترش دهند که با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. این رویکرد، در مقاطع مختلف و به‌ویژه در شرایط دشوار، یکی از محورهای اصلی سخنان و سیاست‌های ایشان به شمار می‌رفت.

**حضور گسترده مردم در مراسم مختلف وداع و تشییع چه پیامی برای جامعه، مسئولان و حتی مخالفان و دشمنان جمهوری اسلامی دارد؟**

به نظر من، نخستین پیام این حضور، نشان دادن میزان علاقه و پیوند عاطفی مردم با شخصیت رهبر انقلاب است. گستردگی این حضور، بسیاری از تحلیل‌گران و حتی برخی سیاستمداران خارجی را نیز شگفت‌زده کرد. به گونه‌ای که برخی از آنان ادعاهای گزاف تصور نمی‌کردند مردم ایران تا این اندازه بار رهبر خود پیوند عاطفی داشته باشند. این حضور، از سوی دیگر، نشان داد که مردم سالاری دینی همچنان از پشتوانه اجتماعی برخوردار است و در بزنگاه‌های مهم، بخش قابل توجهی از جامعه برای پاسداری ارزش‌هایی که به آن باور دارد، به میدان می‌آید. البته من معتقدم مردم ایران میان شخصیت رهبر انقلاب و برخی اقداماتی که در سال‌های گذشته به نام ایشان صورت می‌گرفت،



## وداع و مجاهدت

### پاسداشت مجاهدت

سیاسی



چهارشنبه  
۱۷ تیر ۱۴۰۵  
شماره ۲۳ محرم ۱۴۴۸

سال  
سی و دوم  
شماره ۹۰۶۷

Wednesday  
8 July 2026  
Vol 9067

### پیوند ناگسستنی رهبر شهید با حوزه و روحانیت



رسول منتجب‌نیا دبیر کل حزب جمهوری‌توان ایران اسلامی

وجود داشت. یک دیدگاه بر این باور بود که حوزه‌های علمیه و مساجد باید کاملاً در اختیار علما، مدرسان و مراجع باشند و حکومت در مدیریت آنها دخالتی نداشته باشد.

رهبر شهید انقلاب از خاندان علم، فقاقت و فضیلت برخوردار بودند. مرحوم والد ایشان از علمای برجسته نجف و مشهد به شمار می‌رفتند و بزرگان ایشان نیز هر یک از چهره‌های شناخته‌شده علمی و انقلابی هستند. آقای سیدمحمد خامنه‌ای که دو دوره افتخار هم‌نشینی با ایشان را در مجلس داشتیم و نیز آقای هادی خامنه‌ای که از مبارزان پیشتاز و پیش‌از انقلاب اسلامی بودند و سپس از انقلاب

نیز مسئولیت‌های مهمی برعهده داشتند، از جمله نیزه‌های کم‌نظیر از نظر اندیشه، دیانت، اعتقاد به انقلاب و امام‌هستند. در مجموع، در خاندان این شهید بزرگوار، بافتی علمی، دینی و انقلابی شکل گرفته بود که در شخصیت ایشان نیز تأثیر عمیقی گذاشت.

حضور ایشان در محضر استادان و علمای بزرگ در نجف، قم، مشهد و دیگر مراکز علمی، موجب شده بود که دیدگاهی صریح، عمیق و مثبت نسبت به علما، روحانیت و حوزه‌های علمیه داشته باشند. از همین رو، همواره در مسیر تقویت این نهادها تلاش می‌کردند.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی ایشان به دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. همان‌گونه که در خاطرات و مصاحبه‌های مختلف نیز نقل شده است، در مشهد جلاست، برنامه‌های علمی، تدریس و مباحث فرهنگی متعددی را دنبال می‌کردند. این روحیه علمی حتی در دوران رهبری نیز ادامه یافت و ایشان هیچ‌گاه از مطالعه، تحقیق و پیگیری مسائل علمی فاصله نگرفتند و همواره این مسیر را با جدیت دنبال می‌کردند.

ارتباط نزدیک ایشان با حضرت امام خمینی (ره) و شخصیت‌هایی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح و همچنین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بیانگر پیوند عمیق ایشان با جامعه‌ای است که روحیه‌ی آن، اندیشه‌ی اسلامی و تمدن دینی امروز ما، میراثی است که از این بزرگان به نسل‌ها بعد منتقل شده است.

در دوران رهبری ایشان نیز حوزه‌های علمیه از حمایت‌های مادی و معنوی قابل توجهی برخوردار بودند. البته در این زمینه دو دیدگاه

### سه فراز قابل تأمل در وداع و تشییع رهبری



احمد مبلغی عضو مجلس خبرگان رهبری

آن به هویتی پایدار و مقاوم تبدیل می‌شود. این هویت، در برابر فشارها و صف‌بندی‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ، از خود استحکام و پایداری نشان می‌دهد و به آسانی دچار فروپاشی نمی‌شود.

مراسم تشییع رهبر شهید را نمی‌توان صرفاً یک آیین سوگوار یا نمایی از اجتماع گسترده مردمی دانست. این رخداد از منظر اجتماعی، دست‌کم سه لایه مهم و قابل تأمل دارد: بعد تاریخی، تمدنی، بُعد روان‌شناختی. اجتماعی و بُعد آینده‌نگرانه. نخست، این حضور گسترده مردمی ریشه در پیشینه‌های دینی ایران دارد؛ تمدنی که طی قرن‌ها در بستر تاریخ شکل گرفته و پس از پذیرش اسلام، نته‌ها دچار گسست نشده، بلکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معرفتی و معنوی اسلام، به مرحله‌ای تازه از بلندی رسید. از این منظر، چنین تشییعی پدیده‌ای منطقی یا احساسی نیست، بلکه بازتاب مؤلفه‌های عمیق یک تمدن تاریخی است که همچنان در رفتار اجتماعی مردم ایران جلوهگر می‌شود.

شگفتی ناظران داخلی و خارجی و عظمت این مراسم نیز از همین واقعیت ناشی می‌شود. حضور گسترده مردم، افزون بر ادای احترام به مقام شهید، حامل پیام‌هایی روشن بود؛ پیام ایستادگی، نرسیدن در برابر تهدیدها، مطالبه عدالت در برابر تجاوز و جنایت و نمایش انسجام ملی. این انسجام، سرمایه‌ای اجتماعی است که در بزنگاه‌های تاریخی خود را آشکار می‌کند و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی به شمار می‌رود.

دومین بعد این رویداد، جنبه روان‌شناختی و اجتماعی آن است. ملت ایران در چنین صحنه‌هایی، هویت جمعی خود را بازتعریف و تثبیت می‌کند. هنگامی که یک جامعه بر پایه ارزش‌هایی همچون استقلال، باورهای دینی، عزت ملی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی به همبستگی می‌رسد، روان جمعی

### از تهران و قم تا عراق و مشهد؛ لایه‌های نمادین تشییع



مجتبی ذوالنوری نماینده قم در مجلس شورای اسلامی

تشییع پیکر مطهر رهبر شهید را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک آیین سوگوار یا بدرقه یک شخصیت سیاسی و مذهبی تحلیل کرد. این رخداد، به دلیل گستره حضور مردمی، تنوع جغرافیایی آن و بازتابی که در سطح منطقه و جهان یافت، به یک «رویداد» سیاسی، اجتماعی تبدیل شد که حامل پیام‌هایی فراتر از یک مراسم تشییع بود. اهمیت این پیام‌ها نیز پیش از آنکه به جمعیت حاضر در خیابان‌ها وایستد، به معنای بازمی‌گردد که این حضور در فضای داخلی و محیط بین‌المللی تولید کرد. نخستین پیام این مراسم، بازتعریف نسبت مردم ایران با روایت‌هایی بود که طی هفته‌های گذشته از سوی دشمنان جمهوری اسلامی مطرح می‌شد. در حالی که برخی رهبران غربی و رژیم صهیونیستی اقدامات خود را با ادعای حمایت از مردم ایران توجیه می‌کردند، حضور گسترده مردم در مراسم بدرقه رهبر شهید، روایت دیگری را به نمایش گذاشت؛ روایتی که بر استقلال‌آزاده ملت ایران و حق آنان برای تعیین سرنوشت کشورشان تأکید داشت.

پیام دوم، استمرک یک مسیر بود. تشییع رهبر شهید، پیش از آنکه وداع با یک فرد باشد، اعلام وفاداری به یک مکتب و یک منظومه فکری تلقی شد. از همین منظر، حضور مردم را می‌توان تجدید بیعت با آرمان‌های انقلاب اسلامی، امامین انقلاب، امام راحل عظیم‌الشان و امام شهید و همچنین بیعت با خلف صالح ایشان حضرت آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. در واقع، جامعه حاضر در این مراسم تلاش کرد این پیام را منتقل کند که شهادت، هرچند ضایعه‌ای بزرگ است، اما به گسست در مسیر انقلاب منجر نخواهد شد.

در کنار این پیام‌ها بخش مهمی از شعرهای مردم بر مفاهیمی چون مقاومت و ایستادگی تأکید داشت. فارغ از هرگونه تحلیل سیاسی، این شعارها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از افکار عمومی انتظار دارد تصمیم‌گیری‌های آینده کشور با حفظ اصول و آرمان‌هایی صورت گیرد که شهیدان برای آن جان خود را فدا کرده‌اند. از این منظر، مراسم تشییع تنها یک وداع نبود؛ بلکه بازتاب انتظارات جامعه از آینده نیز به شمار می‌رفت. با این حال، شاید مهم‌ترین پیام این حماسه مردمی، نه خطاب به بیرون از مرزها، بلکه متوجه مسئولان کشور بود. تجربه‌های تاریخی نشان داده

است که سرمایه اجتماعی همچون آنچه در طول نزدیک به چهار ماه گذشته و در مراسمات وداع و بدرقه بیروز و ظهور داشت، زمانی ماندگار می‌شود که مردم آثار آن را در کیفیت اداره کشور، کارآمدی نظام اجرایی، مبارزه با فساد، مقابله با رانت و بهبود شرایط زندگی خود مشاهده کنند. از این رو، قدرانی از چنین حضوری، نه با پیام‌های تشکر، بلکه با خدمت مؤثر، عدالت‌محوری و پاسخگویی به مطالبات عمومی معنا پیدا می‌کند.

مسیر تشییع پیکر رهبر شهید نیز واجد لایه‌های نمادینی بود که هر یک بخشی از هویت انقلاب اسلامی را بازتاب می‌دهد. تهران، به عنوان مرکز تصمیم‌گیری و محل شکل‌دهی به سیاست‌های ایران، این مراسم مهمی از معارف اسلامی، فرهنگ ایرانی و تمدن ایرانی-اسلامی است. از همین رو، معتقد بودم این زبان باید تقویت شود و جایگاه شایسته خود را در عرصه بین‌المللی حفظ کند.

تفاوت قائل هستند. بسیاری از مردم، شخصیت ایشان را شخصیتی ممتاز، کم‌نظیر و اثرگذار می‌دانستند، اما در عین حال ممکن است نسبت به برخی عملکردها با تصمیم‌هایی که به نام ایشان ثبت شده یا از سوی برخی مسئولان به ایشان منتسب می‌شود، نقد یا گلایه داشته باشند. این دورا نباید با یکدیگر خلط کرد؛ زیرا مردم معمولاً میان اصل شخصیت و نحوه عملکرد برخی مجریان تفاوت قائل می‌شوند.

این روزها شاهد بودیم که افراد با سلیق، گرایش‌ها و نگاه‌های مختلف در کنار یکدیگر حضور یافتند و با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، در یک موضوع مشترک به وحدت رسیدند. این اتفاق نشان می‌دهد که جامعه ایران، در مقاطع حساس، همچنان ظرفیت همگرایی و انسجام ملی را دارد.

کتاب: روحانیت مبارز در گذر از بحران‌های نظامی و سیاسی

گزارش «ایران» از حال و هوای پایتخت در غروب دوشنبه پانزدهم تیرماه بعد از برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید

# تهران در اولین شب بی او



مشغول جمع آوری کاغذ، بطری های آب و لیوان های یکبار مصرفی است که از دست عزاداران روی زمین افتاده است. دست هایش می لرزد، نه از پیری، از خستگی فرار. وقتی می خواهد صحبت کند مکتی طولانی می کند و با بغضی که در گلویش است، می گوید: «من هر شب این خیابان را جارو می کنم، اما امشب... امشب انگار یک حال دیگر دارم. این اولین شب است که تهران بدون آقا نفس می کشد، انگار نبودن او، چراغ‌ها را یکی یکی خاموش می کند.

چشم‌های تک‌تک رهگذران، نوعی بهت دیده می شود. تهران امشب نیتیم‌وار به خواب می رود. اولین شب است که آقا دیگر در تهران نیست، اما در هر گوشه این خیابان‌ها، در هر جایی که خاک‌ها را می روید و یاد اوست که باقی می ماند، امشب، تهران برای اولین بار، وسعت نبودن مردی را حس می کند که تمام جانش بود. امید یکی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع رهبر شهید است که به یکی از پاکبان‌ها در تمیز کردن مسیر تشییع کمک می کند. از گوشی اش صدای نوحه پخش می شود.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

جمعیت میلیونی زائرانی که از اقصی نقاط کشور آمده بودند، حالا یاد زائرسراها به استراحت پس از طوفان اندوه پناه برده‌اند و یا راهی شهرها و خانه‌های خود شده‌اند. شهرمانده نیروهای پاکبان و مردمی که هنوز مشغول جمع کردن موکب‌ها و وسایل پذیرایی از عزاداران هستند

در همان نزدیکی، مأمور شهرداری با کامیونی پر از پسماند ایستاده است. عرفان کیسه‌ها را به او می دهد بعد هم با یک لیوان چای از او و همکارانش پذیرایی می کند. کارگر جوان شهرداری هم از لهجه اش پیداست اهل دیاری دور از تهران است، با نگاهی به خیابان‌های خالی، می گوید: «مردم سنگ تمام گذاشتند. ما شبانه‌روز سر کار بودیم. البته این شغل ماست و باید در هر شرایطی کارمان را انجام دهیم اما دلم می خواست این شهر را برای روزهای جشن و شادی آماده و پاکیزه می کردیم، مثلاً برای آمدن یک مهمان عزیز، نه برای وداع ابدی با رهبر شهید.» مأموران شهرداری می روند اما عرفان، همچنان پا کار موکب ایستاده است.

است و مردم جان فدای او هستند. کشورهای غربی بارها رئیس جمهور و بزرگان را از دست داده‌اند، اما هیچ کدام در حافظه تاریخی شان چنین مراسمی را هم نمی توانست تصور کنند. امروز مردم برای آقای شهید سنگ تمام گذاشتند و برای رهبری جدید هم جان می دهند چون راه ما حق و راه آنها باطل است.»

یکی از خادمان موکب‌ها: قرار است امشب موکب را جمع کنیم، اعلام کردند از فردا همه مسیرها به روال عادی باید برگردد، اما مگر زندگی ما هم به روال عادی برمی گردد؟ اصلاً نم دانم چطور از فردا کاره مغازه را بالا بدهم؛

## گروه اجتماعی

غروب همیشه حس و حال خاصی دارد، اما غروب دوشنبه تهران، متفاوت از روزهای قبل است. انگار شهر برای اولین بار در دهه‌های اخیر، معنای واقعی سکوت و غم را تجربه می کند. خیابان‌های تهران که تا همین چند ساعت قبل مثل رودی خروشان از عشق و اشک بود، در لحظه‌های آخر روز، صدای خانه‌ای است که صاحبش را بدرقه کرده و حالا در بهت نبودن او، چراغ‌ها را یکی یکی خاموش می کند.

چشم‌های خیس می شود و آرام می گوید: «من تا صبح هم این خیابان‌ها را جارو بکشم خستگی به تنم نمی ماند، اما این دلم است که طاقت نمی آورد. هر بار چشمم به عکس‌اش می افتد با خودم می گویم این شهر چقدر بدون تو، سوت و کور شده است.» چند متر جلوتر، بساط موکب‌هایی که تا چند ساعت قبل با آب، شربت و چای و خرما پذیرای هزاران نفر بودند، در حال جمع شدن است. صحنه‌هایی غریب است؛ چادرهای برزنتی را تا و شلنگ‌های مه‌پاش‌ها را باز می کنند. یکی از موکب‌داران که جوانی ۲۰ ساله است، می گوید: «وقتی صبح پرچم خادم‌الشهدا را نصب می کردیم، فکرمی کردم دارم برای مراسمی مثل روزهای محرم خدمت می کنم. اما حالا که دارم جمع و جور می کنم، کار برایم خیلی سخت است. انگار دارم سفره‌ای را جمع می کنم که می دانم دیگر قرار نیست با حضور صاحبش گرم شود.» هرچه ساعت می گذرد شهر خالی تر می شود؛ از جمعیت، از هیاهو و از گرمای یک حضور. اما در این خالی شدن، چیزی در فضای شهر رسوب کرده است.

مردمی که غمگین، قدم‌زنان به سمت خانه‌هایشان می روند. دیگر خبری از آن خروش چند ساعت قبل نیست، اما در چشم‌های تک‌تک رهگذران، نوعی بهت دیده می شود. تهران امشب نیتیم‌وار به خواب می رود. اولین شب است که آقا دیگر در تهران نیست، اما در هر گوشه این خیابان‌ها، در هر جایی که خاک‌ها را می روید و یاد اوست که باقی می ماند، امشب، تهران برای اولین بار، وسعت نبودن مردی را حس می کند که تمام جانش بود. امید یکی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع رهبر شهید است که به یکی از پاکبان‌ها در تمیز کردن مسیر تشییع کمک می کند. از گوشی اش صدای نوحه پخش می شود.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

**نفس کشیدن سخته**  
تهران در داغ نبود ایشان می سوزد و می سازد. هر چه به ساعت‌های پایانی روز و تاریکی هوا نزدیک می شویم هوای تهران سنگین تر و نفس کشیدن در هوایی که دیگر پدر دل‌سوز امت ندارد، سخت تر می شود. حالا که خیابان‌های شهر خلوت شده، خادمان دیگری در کوچه پس کوچه‌های شهر با لباس‌های نارنجی می چرخند تا چهره شهر را تمیز کنند. آقا اسماعیل مردی میانسال است، سرش مشغول کار است، انگار ذکر می گوید. اما خودش می گوید مردم را دعا می کند: «نه بابا جان. مردم محله و کسبه را دعا می کنم. امروز کل مسیر به خاطر تشییع رهبری شلوغ بود و بعد از خالی شدن خیابان وقتن مردم، اهالی محل دست به کار شدند و هر کسی هر چقدر که می توانست زباله‌ها را جمع کرد و کار مسیک‌تر شد. داشتیم با خودم می گفتم خدا خیرشان بدهد، چون مسیر طولانی است و کار همیشه‌ام هم همین است ولی امشب به نظر هوا سنگین تر از همیشه شده. دیشب و پریشب هم کار کردم ولی این لحظه‌های آخر انگار نامیدتر از همیشه‌ام. نفس کشیدن از همیشه برایم سخت تر شده است.»

**جاماندگان**  
سحر و معصومه از روهن آمده‌اند و به سختی خودشان را به میدان امام حسین رسانده‌اند تا بتوانند در مراسم تشییع شرکت کنند، اما هیچ وقت نتوانستند خودشان را به ماشین حمل پیکر شهدا برسانند. «گفته بودند مراسم از اینجا شروع می شود. هر چه ایستادیم خبری نشد. گویا ماشین از خیابان‌های بعد از چهارراه ولی عصر وارد جمعیت شده بود. ما خبردار شدیم، دیگر دیر شده بود. به دوستم گفتم بدویم، اما آنقدر از حاحم جمعیت زیاد بود که حتی نمی توانستیم درست راه برویم چه برسد به اینکه در آن شلوغی بدویم.» سحر و معصومه ناامید از رسیدن، همان جا نشستند و با غم غروب. حالا باید راهی روهن شوند. معصومه می گوید: «مانسینم را در یکی از خیابان‌های فرعی میدان رسالت پارک کرده‌ام. کمی که خلوت تر بشود، می رویم. من همیشه تهران را دوست داشتم، اما امروز غم تهران همه وجودم را گرفت.»

یکی از پاکبانان مسیر تشییع: من تا صبح هم این خیابان‌ها را جارو بکشم خستگی به تنم نمی ماند، اما این دلم است که طاقت نمی آورد. چشمت به عکسش می افتد با خودم می گویم این شهر چقدر بدون تو، سوت و کور شده است

## عزای یک نفره

چند قدم مانده به در اصلی مصلی، روبه‌روی تصویر رهبر شهید می ایستد. موتورش را به دیوار می چسباند و خودش به احترام زانو می زند. چفیه اش خیس اشک است. با صدای بلند روضه زمزمه می کند و اشک می ریزد: «دیر رسیدیم آقا. مرا ببخش.» چفیه اش را روی صورتش می اندازد تا صدای حق هفتش خلوت خیابان قنبرزاده را که در روزهای وداع پر از جمعیت بود، به هم نریزد. از جایش بلند می شود، سلام نظامی می دهد و می رود. آفتاب چیزی نمانده که برود، شب می شود.

امیدی که در خدمت است کمی دورتر، جوانی بیست و چند ساله با انرژی عجیبی مشغول جمع آوری بقایای موکب‌ها و کیسه‌های خالی است. برخلاف نگاه غم‌آلود دیگران، چشمان عمیق و ممتد گرفته است. در ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، در کافه‌ها و رستوران‌هایی که روز دوشنبه نیمه‌باز بودند، آدم‌ها کمتر با هم حرف می زنند. انگار هر کس در دنیای دورنی خودش، آخرین حضور رهبر شهید را مرور می کند. نگاه‌ها،

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

**پس از آن وداع بی بازگشت**  
هر کدام از خیابان‌های تهران را که می روی در سکوتی مطلق و سنگین فرورفته است، سکوتی که نه از سرآرامش گذرانده‌ام اما این روزها و این نشأت می گیرد. مردمی که تا همین چند ماه قبل، سایه پرصلابت پدری معنوی بر سر تک‌تک‌شان مستدام بود، حالا در غروب این روز فقدان این حس را دارند. رهبر شهید برای همیشه از پایتخت کوچ کرد و کلانشهر هم از کالبدش پر کشید و رفت. جمعیت میلیونی زائرانی که از اقصی نقاط کشور آمده بودند، حالا یاد زائرسراها به استراحت پس از طوفان اندوه پناه برده‌اند و یا راهی شهرها و خانه‌های خود شده‌اند. شهر مانده است و نیروهای پاکبان و مردمی که هنوز مشغول جمع کردن موکب‌ها و وسایل پذیرایی از عزاداران هستند. در اقصی نقاط کشور آمده بودند، حالا یاد زائرسراها به استراحت پس از طوفان اندوه پناه برده‌اند و یا راهی شهرها و خانه‌های خود شده‌اند. شهر مانده است و نیروهای پاکبان و مردمی که هنوز مشغول جمع کردن موکب‌ها و وسایل پذیرایی از عزاداران هستند.

**غلم گزیده مترو**  
ایستگاه ارم سبز جای سوزن انداختن نیست. انگار از تشییع برگشته‌ها یک مراسم دیگر هم برای خودشان راه انداخته‌اند. هر کس واگونی‌ها را با صدای بلند می گوید، بغل دستی دل به دلش می دهد. شعارها و مداحی‌ها از دل برمی آید و خیلی سریع هر دل می نشیند و دوباره اشک‌ها را جاری می کند. گوشه سالن بزرگ ایستگاه زن و مردی روی صندلی تاشو نشستند، انگار می خواهند نفسی تازه کنند تا مسیر طولانی بازنشسته‌است. «حدود ۶۵ ساله و ۱۰ ساعت کم کم پیش در یکی از دیدارهای رهبری با کارگزارانوانستم ایشان را ببینم. فکرمی کنم ردیف سوم با چهارم بودم، اما همیشه به همه می گفتم من با رهبر چشم تو چشم شدم و حتی به ایشان سلام هم کردم و جواب هم گرفتم. همیشه این خاطره را برای بچه‌ها و دوستانم تعریف می کردم. حسابی فخر می ورختم. خوب افتخار هم داشت.» مرد عرق روی پیشانی اش را پاک می کند و از همسرش تأیید می خواهد: «همسرم شاهد است. هیچ وقت آن روز را فراموش نمی کنم. آن سلام همیشه در یاد من می ماند. به هوای همان سلام در دو روز وداع به مصلی رفته و امسروز هم آمدم تا به او سلام بدهم. با اینکه اصلاً ماشین حمل پیکر را ندیدم، به خودم گفتم عطر ایشان در هوا پیچیده، مهم اتصال قلبی است. من که قلبم را گره زده‌ام.» مرد ناگهان از روی صندلی بلند می شود. انگار همه خستگی از این جا خفته است، برویم.» تهران دوشنبه بیتامه‌ترین شب خود را گذراند. این شهر، دهه‌ها با صدای رهبر شهید و با حضور او نفس کشید اما در این شب پایتخت‌نشینان نه تنها با نبودن رهبر شهید که با فقدان پشت و پناهمشان روبه‌رو شدند و این، سخت‌ترین تجربه یک ملت است؛ خوابیدن در شهری که دیگر همان شهر دیروز نیست.

یکی از پاکبانان مسیر تشییع: من تا صبح هم این خیابان‌ها را جارو بکشم خستگی به تنم نمی ماند، اما این دلم است که طاقت نمی آورد. چشمت به عکسش می افتد با خودم می گویم این شهر چقدر بدون تو، سوت و کور شده است

## خاطرات جامانده

در خیابان‌های منتهی به میدان انقلاب، اولین چیزی که جلب توجه می کند، صدای کشیده شدن جاروهای روی آسفالت خیابان است. پاکبان‌ها، سربازان گمنام همیشه حاضر، امشب سخت‌ترین شیفت کاری عمرشان را تجربه می کنند. عموم محمود گوشه خیابان

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

چند قدم مانده به در اصلی مصلی، روبه‌روی تصویر رهبر شهید می ایستد. موتورش را به دیوار می چسباند و خودش به احترام زانو می زند. چفیه‌اش خیس اشک است. با صدای بلند روضه خداحافظی می خواند. زیر لب زمزمه می کند و اشک می ریزد: «دیر رسیدیم آقا. مرا ببخش.»

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

یکی از پاکبانان مسیر تشییع: من تا صبح هم این خیابان‌ها را جارو بکشم خستگی به تنم نمی ماند، اما این دلم است که طاقت نمی آورد. چشمت به عکسش می افتد با خودم می گویم این شهر چقدر بدون تو، سوت و کور شده است

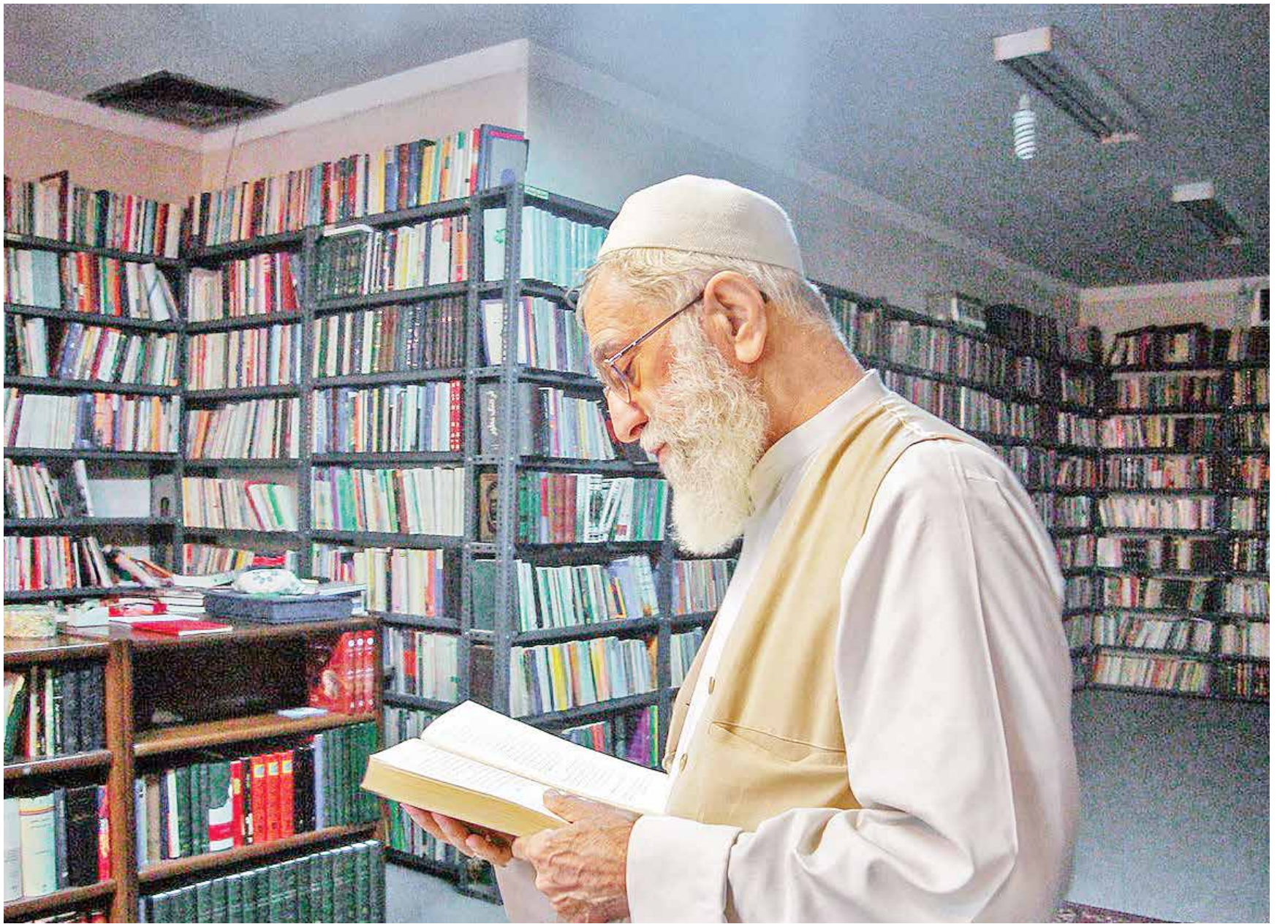


بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

بیشتر از اینکه به جلو باشد، به ویتترین مغازه‌ها یا دیوارهایی است که هنوز پرچم مشکی و عکس رهبر شهید بر آن‌ها باقی مانده است.

یکی از پاکبانان مسیر تشییع: من تا صبح هم این خیابان‌ها را جارو بکشم خستگی به تنم نمی ماند، اما این دلم است که طاقت نمی آورد. چشمت به عکسش می افتد با خودم می گویم این شهر چقدر بدون تو، سوت و کور شده است



## عبدالحسین خسرو پناه در گفت و گویا «ایران» منظومه فکری رهبر شهید را مرور می کند

# حکمرانی مردم محور، عقلانی و آینده ساز

### شاه کلید الگوی حکمرانی رهبر شهید، پیوند وثیق میان عقلانیت، معنویت و شجاعت است

گفت و گو

سهیلا نوری

روزنامه نگار

شناخت دقیق ابعاد شخصیتی رهبر شهید، فراتر از خاطرات شخصی یا مواضع سیاسی پراکنده، نیازمند درک یک «منطق و منظومه منسجم حکمرانی» است؛ دستگامی فکری که دال مرکزی آن «توحید» است و افق آن به تمدن نوین اسلامی ختم می شود. در حقیقت رهبر شهید صرفاً یک مدیر سیاسی یا فقیه برجسته نبود، بلکه معمار الگویی از حکمرانی بود که از توحید آغاز می شود و در تمدن نوین اسلامی معنا می یابد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسرو پناه، به پشتوانه بیش از سه دهه همنشینی علمی و مشارکت در تدوین «منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای»، امروز یکی از نزدیک‌ترین روابین این کلان نظریه است. او بزرگ‌ترین میراث رهبر شهید را نه در مقاطع تاریخی، بلکه در بر جای گذاشتن یک مدل حکمرانی مبتنی بر عقلانیت، شجاعت و مردم‌باوری می‌داند. در گفت و گو پیش رو، این همدسه فکری را از زبان کسی بازخوانی می‌کنیم که سال‌ها کوشیده است این دستگام معرفتی را از سطح شعار به یک نظریه منسجم ساختاری ارتقا دهد.

اگر کسی بخواهد رهبر شهید را نه از خلال خاطرات یا مواضع سیاسی پراکنده، بلکه از زاویه کلان نظریه و مکتب فکری بشناسد، نقطه آغاز این شناخت کجاست و ستون‌های اصلی این منظومه بر چه پایه‌هایی استوار است؟

نقطه آغاز شناخت، عبور از نگاه جزیره‌ای و رسیدن به یک «نگاه منظومه‌ای» است؛ چراکه اندیشه رهبر شهید یک شبکه به هم پیوسته با ارتباط ارگانیک است که اگر بخشی از آن را جدا کنید، حقیقت آن ما در تدوین کتاب «منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای» نیز مینا را بر همین همدسه قرار دادیم. ایشان معتقد بودند تحول حقیقی در جامعه از «پیش» نظام هستی‌شناختی آغاز می‌شود، در «منش» (نظام اخلاقی و ارزشی) تداوم می‌یابد و در نهایت در قالب «کنش» اجتماعی و نظامات حکمرانی (فرهنگ، اقتصاد، سیاست و امنیت) ظهور پیدا می‌کند.

بنابراین، برای فهم نظریات مدیریتی یا تمدنی ایشان، باید ابتدا ابریشه‌های معرفتی این شبکه را شناخت. اگر بخواهیم این منظومه را در چند واژه کلیدی که ستون‌های اصلی این مکتب حکمرانی هستند خلاصه کنیم، باید به این شبکه منسجم اشاره کنیم: «توحید، ولایت، عقلانیت، عدالت، مردم‌باوری، علم، فرهنگ و تمدن» - حلقه‌های یک زنجیره واحد که هیچ کدام بدون دیگری کامل نیست.

شما تأکید دارید که «توحید» دال مرکزی این منظومه فکری است. این اصطلاح دقیقاً در ساحت حکمرانی چه معنایی دارد و چگونه مفاهیمی مثل ولایت، عقلانیت و شجاعت را به هم پیوند می‌دهد؟

توحید در اندیشه رهبر شهید، صرفاً یک اعتقاد کلامی یا گزاره ذهنی محصور در حوزه فردی نیست؛ بلکه روحی است که باید در همه نظامات اجتماعی، سیاست و اقتصاد و حکمرانی جاری شود. اگر این محور را کنار بگذاریم، مفاهیمی مانند عدالت، آزادی، مردم‌سالاری دینی، مقاومت و اقتصاد مقاومتی، هر کدام به مفاهیمی مستقل و بی‌ارتباط تبدیل می‌شوند، در حالی که در این مکتب، همه این‌ها حلقه‌های یک زنجیره واحد

هستند. از همین منظر، «ولایت» امتداد طبیعی توحید است؛ یعنی پذیرش ولایت الهی، انسان را به نفی هرگونه سلطه طاغوتی و استکبارستیزی سوق می‌دهد. بنابراین عزت ملی و حمایت از مظلوم، شعارهایی مقطعی نیستند، بلکه ریشه در همین نگاه توحیدی دارند.

نکته کلیدی اینجا است که این اقتدار و ایستادگی، هرگز به معنای رفتار بی‌محابا یا تهور نیست. شجاعت در این مکتب زمانی ارزشمند است که بر «عقلانیت، محاسبه دقیق و حکمت» استوار باشد. در واقع، شاه‌کلید الگوی حکمرانی ایشان، همین پیوند وثیق میان عقلانیت، معنویت و شجاعت بود؛ سه عنصری که مستقیماً از سرچشمه توحید تغذیه می‌کنند.

اگر توحید محور این منظومه است، چرا در تبیین نظامات اجتماعی، پیش از هر چیز بر «فرهنگ» تأکید می‌کنید؟ چه نسبتی میان فرهنگ و حکمرانی در اندیشه رهبر شهید وجود دارد؟

در میان همه نظامات اجتماعی، فرهنگ جایگاهی ممتاز و کلیدی دارد؛ چراکه نگاه رهبر شهید، فرهنگ روح حاکم و نرم‌افزار اصلی ساختارهای جامعه است. فرهنگ صرفاً به معنای فعالیت‌های هنری یا رسانه‌ای نیست، بلکه شامل باورها، ایمان، هویت و الگوهای رفتاری یک ملت است. اگر این نرم‌افزار اصلاح شود، سخت‌افزارهای اداره کشور نیز درست کار خواهند کرد.

شما در تبیین الگوی حکمرانی رهبر شهید، بارها اشاره کرده‌اید که منطق ایشان در مدیریت «صفر و یک» نبود. این نگاه تدریجی و امیدمحور، در عمل و به ویژه در برخورد با نخبگان و جریان‌های علمی کشور چگونه پیاده می‌شد؟

دقیقاً همین‌طور است؛ ایشان هیچ‌گاه با منطق صفر و یک به مسائل نگاه نمی‌کردند؛ یعنی این‌طور نبود که بگویند یا همه اهداف به‌طور کامل محقق شده است یا هیچ دستاوردی وجود ندارد. منطق ایشان، منطق رشد مستمر و پیشرفت مرحله به مرحله بود. همواره میان وضع موجود و وضع مطلوب فاصله فاضل بودند، اما این فاصله را هرگز بهانه‌ای برای ناامیدی یا توقف قرار نمی‌دادند. نقدهای ایشان همواره رو به جلو و امیدآفرین بود؛ امیدی که بر واقعیت‌ها استوار بود، نه بر خوش بینی توهم‌آمیز.

نمونه عینی و روشن این رویکرد را می‌توان در حوزه علم و فناوری مشاهده کرد. دو دهه پیش، ایران در بسیاری از فناوری‌های راهبردی جایگاهی نداشت، اما ایشان به جای بسنده کردن به آرمان‌های کلی، ظرفیت‌های انسانی را شناسایی می‌کردند.

این حمایت‌ها صرفاً توصیه‌های اخلاقی یا پیگیری‌های اداری مرسوم نبود؛ ایشان استعدادها را برجسته و حوزه‌های سلول‌های بنیادی، نانو، پشتیبانی فرا می‌خواندند و روند کار را پیگیری می‌کردند. این حمایت‌های هوشمندانه و اعتماد به نیروهای جوان، دقیقاً خروجی همان الگوی حکمرانی غیر ضروری و یکی است؛ یعنی شناخت ظرفیت‌ها، امیدآفرینی و تبدیل کام‌به‌کام استعدادها به اقتدار ملی.

در این الگوی حکمرانی، مردم چه جایگاهی دارند؟ آیا «حکمرانی مردمی» در نگاه رهبر شهید صرفاً یک شعار و تاکتیک سیاسی بود یا یک کلان نظریه در حوزه مدیریت؟

در منظومه فکری رهبر شهید، مردم هم روشن است؛ این

مخاطب منفعل حکومت نیستند، بلکه اصلی‌ترین سرمایه و کارگزار حکمرانی به شمار می‌روند؛ بنابراین، حکمرانی مردمی یک شعار تبلیغاتی نیست، بلکه یکی از ارکان حیاتی اداره کشور است. تجربه انقلاب اسلامی هم نشان داده که هر کجا به ظرفیت‌های مردمی تکیه کردیم، پیچیده‌ترین مسائل با موفقیت حل شد و هر زمان که میدان را به حلقه‌های محدود قدرت یا منافع قبیله‌ای واگذار کردیم، روند پیشرفت آسیب دید.

جلوه‌های این حقیقت را همواره در بزرگ‌ها و بحران‌های اجتماعی دیده‌ایم؛ جایی که حضور داوطلبانه نخبگان و نسل جوان برای امداد رسانی و خدمت، فراتر از آمارها، نشان‌دهنده پویایی سرمایه اجتماعی و فرهنگ مسئولیت‌پذیری در جامعه است.

پیشرفت فکری و تفکر تمدنی خواهد رسید.

شما بارها اشاره کرده‌اید که از نگاه رهبر شهید، «تحول تمدنی بدون تحول فلسفی ممکن نیست»؛ از سوی دیگر در خاطرات خود به نشست مشترک استادان فلسفه با ایشان در اوایل دهه

یکی از پرتکرارترین و کلیدی‌ترین دغدغه‌های رهبر شهید، ضرورت تحول در علوم انسانی بود. چرا ایشان این حوزه را تا این حد راهبردی و سرنویس‌ساز می‌دانستند؟

متأسفانه در جامعه ما بسیاری تصور می‌کنند علوم انسانی تنها یکی از شاخه‌های دانشگاهی در کنار سایر رشته‌هاست؛ در حالی که رهبر شهید به علوم انسانی به عنوان موتور تحول و ریل‌گذاری اصلی جامعه نگاه می‌کردند. دلیل آن هم روشن است؛ این

هشتاد اشاره داشته‌اید. نگاه ایشان به کار بست عینی فلسفه در جامعه چه بود و تفکر فلسفی چگونه می‌تواند در متن حکمرانی امتداد پیدا کند؟

رهبر شهید با مطالعات عمیقی که در تاریخ تمدن‌ها داشتند، معتقد بودند هر تحول بزرگ تاریخی، ابتدا در لایه اندیشه و فلسفه آغاز شده است؛ زیرا اگر فلسفه تغییر نکند، نگاه جامعه به انسان، علم، عدالت و حکمرانی نیز دگرگون می‌شود. اما نکته ممتاز در نگاه ایشان این بود که فلسفه را دانشی محصور در انتزاعات و حجره‌ها نمی‌دانستند. از نگاه ایشان، فلسفه زمانی به کمال می‌رسد که بتواند امتداد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیدا کند و به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد. جلوه عینی این تفکر را من در همان نشست به یادماندنی اوایل دهه هشتاد با حضور استادان فلسفه، کلام و عرفان از نزدیک دیدم. در آن جلسه، بحث بر سر فلسفه‌های مضاف و نسبت آن‌ها با مسائل اجتماعی بود. وقتی نوبت به سخنان رهبر شهید رسید، تأکید کردند که عقلانیت فلسفی نباید در سطح مفاهیم ذهنی متوقف بماند، بلکه باید در حل مسائل عینی جامعه نقش‌آفرین باشد. ایشان حتی فراتر رفتند و فرمودند که باید برای آموزش فلسفه و شیوه اندیشیدن به کودکان نیز برنامه‌ریزی شود تا تفکر عقلانی از همان سال‌های نخست زندگی در جامعه نهادینه شود. یادم هست پس از اقامه نماز، قرار بود جلسه تمام شود، اما وقتی استادان درخواست ادامه گفت‌وگو را کردند، ایشان با وجود ضیق وقت پذیرفتند و دوباره صمیمانه در میان استادان روی زمین نشستند و به گفت‌وگو ادامه دادند. حتی وقتی یکی از حاضران به مزاح یا جدی تعبیر رایج «فلسفه فقر می‌آورد» را مطرح کرد، ایشان بی‌درنگ نام چند فیلسوف برجسته سنت اسلامی را برشمردند که اتفاقاً جایگاه علمی و وضعیت مناسبی داشتند و با مصداق، آن ذهنیات سستی را نقد کردند. این اشراف عمیق بر سنت فلسفی در کنار اصرار بر کارآمدی اجتماعی آن، نشان می‌داد که از نظر ایشان، فلسفه ابزاری برای مهندسی و ساختن امروز و آینده جامعه است.

شما جایی تعبیر جالبی به کار بردید و گفتید یکی از ویژگی‌های ممتاز رهبر شهید «خلق واژگان» بود. منظور شما از این تعبیر چیست و این قدرت مفهوم‌سازی، چه تأثیری در ریل‌گذاری آینده کشور داشت؟

این یکی از وجوه ابداعی و ممتاز شخصیت فکری رهبر شهید بود. ایشان صرفاً یک مدیر اجرایی یا سخنران سیاسی نبودند؛ ایشان در مقام یک نظریه‌پرداز، زبان تازه می‌آفریدند و از طریق «خلق مفاهیم»، افق‌های جدیدی برای اندیشه و حکمرانی می‌گشودند.

مفاهیمی مانند تمدن نوین اسلامی، اقتصاد مقاومتی، جهاد تبیین، نهضت تولید علم، کرسی‌های نظریه‌پردازی و تهاجم فرهنگی، صرفاً واژه‌هایی توصیفی یا شعارهای روزمره نبودند؛ بلکه هر کدام حامل یک منطق، یک کلان نظریه و یک نقش راه بودند. نکته مهم این است که در الگو و معماری ایشان، مفهوم‌سازی مقدمه حکمرانی بود. ابتدا مسئله را در سطح نظری صورت‌بندی می‌کردند، سپس «تمدن نوین اسلامی» و با منطق صبر تاریخی ترسیم کردند. این منطق تمدن‌ساز، همان میراث زنده و جاری است که اگر نسل جوان امروز آن را در عرصه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد و سیاست ادامه دهد، مسیر پیشرفت پایدار و آینده‌دار خواهد داد.

با این اوصاف، اگر بخواهید پیش از سه دهه تجربه رهبری ایشان را در یک مفهوم خلاصه کنید، بزرگ‌ترین و ماندگارترین میراث رهبر شهید برای آینده جوان چیست؟

بی‌تردید می‌گویم: «منطق حکمرانی مردم محور، عقلانی و آینده‌ساز». بزرگ‌ترین میراث ایشان نه یک تصمیم مقطعی و نه یک الگوی ساختاری صلب، بلکه یک «مکتب مدیریتی» است که بر ترکیب هم‌زمان فقه، حکمت، مجاهدت و شجاعت استوار است. رهبر شهید با این منطق نشان دادند که اداره جامعه صرفاً با ساختارهای رسمی و بوروکراسی اداری پیش نمی‌رود، بلکه قدرت واقعی نظام در مردم نهفته است. ایشان در عین نقد جدی و واقع‌بینانه به وضعیت موجود، هرگز دچار یأس نمی‌شدند و همواره امید را در دل نخبگان و جوانان زنده نگه می‌داشتند. ایشان آینده را نه در قالب تصمیم‌های کوتاه‌مدت، بلکه در افق «تمدن نوین اسلامی» و با منطق صبر تاریخی ترسیم کردند. این منطق تمدن‌ساز، همان میراث زنده و جاری است که اگر نسل جوان امروز آن را در عرصه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد و سیاست ادامه دهد، مسیر پیشرفت پایدار و آینده‌ساز را به درستی شکل خواهد داد.



ایشان صرفاً یک مدیر اجرایی یا سخنران سیاسی نبودند؛ ایشان در مقام یک نظریه‌پرداز، زبان تازه می‌آفریدند و از طریق «خلق مفاهیم»، افق‌های جدیدی برای اندیشه و حکمرانی می‌گشودند.



ایشان صرفاً یک مدیر اجرایی یا سخنران سیاسی نبودند؛ ایشان در مقام یک نظریه‌پرداز، زبان تازه می‌آفریدند و از طریق «خلق مفاهیم»، افق‌های جدیدی برای اندیشه و حکمرانی می‌گشودند.



ایشان صرفاً یک مدیر اجرایی یا سخنران سیاسی نبودند؛ ایشان در مقام یک نظریه‌پرداز، زبان تازه می‌آفریدند و از طریق «خلق مفاهیم»، افق‌های جدیدی برای اندیشه و حکمرانی می‌گشودند.



ویدئو

از نگاه دیگران

گفت و گو

ایران

چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵ شماره ۲۳ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

irannewsapp.ir







### گزارش «ایران» از بازنمایی وحدت ملی در آیین تشییع



## وداع میلیونی با رهبر شهید در قم

#### بنیامین میرعظیمی

گروه ایران زمین

قم روز گذشته شاهد رستاخیزی از جنس حماسه و اشک بود؛ بلوار پیامبر اعظم (ص) در وداعی تاریخی، زیر گام‌های چند میلیون عاشق وفادار چنان لرزید که تصویر پیوند ناگسستنی ملت با رهبر شهیدشان، به عنوان ماندگارترین قاب سال‌های اخیر در حافظه تاریخ ثبت شد. مراسم تشییع پیکر رهبر شهید با حضور گسترده عزاداران از سراسر کشور، شهر قم را برای ساعاتی به کانون یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات مردمی سال‌های اخیر بدل کرد و جلوه‌ای از همبستگی اجتماعی، مشارکت مردمی و ظرفیت‌های اجرایی و خدماتی در مدیریت یک اجتماع میلیونی را به نمایش گذاشت. از مسجد مقدس جمکران تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)، از مسیر هفت کیلومتری بلوار پیامبر اعظم (ص) نه تنها محل عبور کاروان تشییع، بلکه عرصه تبلور همبستگی اجتماعی، مشارکت داوطلبانه، آیین‌های متنوع سوگواری و حضور اقشار مختلف مردم از سراسر کشور بود.

از حاحم گسترده، نتوانسته بود از اشتیاق حاضران برای حضور در این مراسم بکاهد. خیابان‌ها و بلوارهای اطراف مسجد مقدس جمکران از ساعات اولیه شب مملو از خودروهایی با پلاک استان‌های مختلف کشور شده بود و بسیاری از عزاداران، آخرین کیلومترهای مسیر را پیاده می‌پیمودند.

#### وداعی باشکوه در میان انبوه عزاداران

با نزدیک شدن زمان به طلوع خورشید، بروموج جمعیت افزوده می‌شد و بلوار پیامبر اعظم (ص) به رودخانه‌ای آرام اما بی‌پایان از انسان‌هایی تبدیل شده بود که در فضایی آمیخته از سوگواری، نایبش و همدلی، چشم به آغاز مراسم دوخته بودند. روز گذشته، قم برای ساعاتی به کانون بزرگ‌ترین اجتماع مردمی معاصر بدل شده بود؛ شهری که هر گوشه آن، از صحن‌های جمکران تا مسیر هفت کیلومتری منتهی به حرم حضرت معصومه (س)، روایتگر وداعی تاریخی، پرشور و سراسر از احساسات جمعی بود.

آیین تشییع رهبر شهید از مسجد مقدس جمکران آغاز شد و کاروان حامل پیکر رهبر شهید و اعضای خانواده ایشان، مسیر هفت کیلومتری بلوار پیامبر اعظم (ص) را به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در میان انبوه عزاداران پیچید. از اولین ساعات بامداد، جمعیتی گسترده در سراسر مسیر استقرار یافته بودند؛ جمعیتی که با در دست داشتن پرچم‌های عزاء، تصاویر رهبر شهید، شاخه‌های گل و پلاکاردهای مذهبی، فضای مراسم را به صحنه‌ای از سوگواری و همبستگی اجتماعی تبدیل کرده بودند. فضای مسجد مقدس جمکران پیش از آغاز رسمی مراسم، آمیزه‌ای از سکوت، نایبش و اندوه بود. مرثیه‌سرایی مداحان اهل بیت (ع)، تلاوت آیات قرآن کریم و زمزمه دعا، لحظه‌های انتظار را رنگ و بویی معنوی بخشیده بود. هر از گاهی نوا صیولات با اشک و ناله عزاداران، سکوت سنگین حاکم بر صحن را می‌شکست و بار دیگر فضای مسجد در آرامشی آمیخته با تأثر فرو می‌رفت.

#### اقامه نماز به امامت آیت‌الله جوادی آملی

با فرارسیدن ساعت شش صبح، صفوف گسترده نماز در بخش‌های مختلف مسجد و محوطه اطراف شکل گرفت. میلیون‌ها نگاه به جایگاه اقامه نماز دوخته شده بود و لحظه آغاز نماز، یکی از تأثیرگذارترین صحنه‌های مراسم را رقم زد. سکوت مطلق تنها با تکبیر نمازگزاران شکسته شد و هزاران دست برای آخرین بار در قفسه آسمان بلند شد. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید با حضور خیل عظیم عزاداران و مشتاقان ولایت، بر پیکر مطهر رهبر مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و خانواده ایشان نماز اقامه کرد. پس از اقامه نماز، آیین تشییع از مسجد مقدس جمکران تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) برگزار شد. خودروی حامل پیکر، در میان حلقه‌های فشرده جمعیت، به آرامی مسیر بلوار پیامبر اعظم (ص) را در پیش گرفت. حجم گسترده جمعیت موجب می‌شد حرکت کاروان در بسیاری از نقاط با کندگی همراه باشد. هر بار که خودرو از مقابل عزاداران عبور می‌کرد، موجی از صلوات، مرثیه و شعارهای مذهبی فضای مسیر را فراموشی گرفت و مردم می‌گوشیدند آخرین سلام و وداع خود را نثار پیکر رهبر شهید می‌کنند. این توقف‌های مکرر، بیش از آنکه ناشی از بی‌نظمی باشد، بازتاب احساسات گسترده مردمی بود که لحظه بدرقه را به رویدادی تاریخی تبدیل کرده بودند.

در طول مسیر تشییع رهبر مجاهد، جلوه‌های

متنوعی از فرهنگ‌های مختلف ایران در کنار یکدیگر دیده می‌شد. هیأت‌های مذهبی از استان‌های مختلف با آیین‌های بومی خود در مراسم حضور یافته بودند. نوحه‌های آذری، آیین‌های سنتی عزاداری خراسان، سینه‌زنی‌های جنوب کشور، مراسم سوگواری لرستان، خوزستان، گیلان و مازندران، هر یک بخشی از فضای مراسم را شکل می‌دادند. این تنوع فرهنگی، تصویری از همگرایی اقوام، گویش‌ها و سنت‌های مختلف در یک آیین مشترک را به نمایش گذاشته بود. حضور اقشار مختلف بود. در میان جمعیت، روحانیون، استادان حوزه و دانشگاه، دانشجویان، خانواده‌های شهدا، ایثارگران، کسبه بازار، کارگران، کشاورزان، زنان، نوجوانان و کودکان در کنار یکدیگر حضور داشتند. سال‌ماندگی که با دشواری حرکت می‌کردند، در کنار جوانانی که داوطلبانه مسئولیت سامان‌دهی جمعیت و کمک به عزاداران را بر عهده گرفته بودند، تصویری از مشارکت فراگیر اجتماعی را شکل داده بودند.

#### ثبت حماسه تشییع در قاب رسانه‌ها

از ساعات اولیه بامداد روز گذشته، مسیرهای منتهی به مسجد مقدس جمکران و حرم مطهر حضرت معصومه (س) با ترافیکی کم‌سابقه مواجه شده بود. بلوار خلیج فارس، بلوار شهید منتظری، بلوار شهید کربمی و خیابان‌های اطراف بلوار پیامبر اعظم (ص)، مملو از خودروهایی بود که از نقاط مختلف کشور به قم آمده بودند. بسیاری از خودروها در حاشیه معابر و حتی کوچه‌های اطراف پارک شده بودند و بخش قابل توجهی از زائران، از راه مسیری را پیاده طی می‌کردند. این حضور گسترده، سیاهی شهر را به‌طور کامل دگرگون کرده بود. در کنار عزاداران، گروه‌های امدادی، نیروهای خدمات شهری، اورژانس، هلال احمر و داوطلبان مردمی در طول مسیر مستقر بودند. با افزایش نمای هوا، فعالیت ایستگاه‌های توزیع آب، خدمات درمانی و استراحت‌گاه‌های موقت نیز گسترش یافت تا شرایط لازم برای مدیریت جمعیت انبوه فراهم شود. با وجود تراکم گسترده جمعیت، روند برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید با نظم نسبی ادامه داشت و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و نیروهای خدماتی، امکان مدیریت یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات فرهنگی-مذهبی معاصر را فراهم کرده بود. موبک‌های مردمی نیز در سراسر مسیر حضوری و اقلام مورد نیاز عزاداران، بخشی از خدمات مراسم را بر عهده گرفته بودند. بسیاری از این موبک‌ها به‌صورت خودجوش و مردمی شکل گرفته بودند و شبانه‌روز در خدمت زائران فعالیت می‌کردند. در کنار خدمات فراهی، برخی موبک‌ها نیز با برگزاری مراسم قرآنت قرآن، مداحی و پاسخگویی به مسائل شرعی، فضای فرهنگی و معنوی مسیر را تقویت کرده بودند. در طول مراسم، مداحان اهل بیت (ع) با نوازی مرثیه و نوحه‌سرایی، فضای عاطفی مراسم را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داده بودند. صدای نوحه‌ها در سراسر مسیر گونگونانداز بود و بسیاری از عزاداران، هنگام با مداحان به سینه‌زنی و عزاداری می‌پرداختند. گاه سکوتی سنگین بر جمعیت حاکم می‌شد و تنها صدای قرآن با نوحه به گوش می‌رسید و لحظاتی بعد، موجی از صلوات و شش‌راهی مذهبی بار دیگر فضای مراسم را دربرمی‌گرفت. ساختمان‌های مشرف

#### اقامه نماز

#### بر پیکر رهبر

#### شهید، آغاز

#### حرکت

#### کاروان

#### تشییع از

#### مسجد

#### مقدس

#### جمکران،

#### همراهی

#### میلیونی

#### عزاداران در

#### طول مسیر

#### و استقبال

#### گسترده در

#### استانه حرم

#### مطهر حضرت

#### معصومه (س)،

#### زنجیره‌ای از

#### صحنه‌های

#### ماندگار این

#### مراسم را

#### رقم زد

به مسیر، پل‌های عابر، پشت‌بام‌ها و فضاهای مرتفع اطراف بلوار پیامبر اعظم (ص) نیز مملو از جمعیتی بود که تلاش می‌کردند بخشی از این مراسم باشند. بسیاری از خانواده‌ها از ساعات اولیه صبح در این نقاط مستقر شده بودند تا عبور کاروان تشییع را از نزدیک مشاهده کنند. حضور انشال مسجد جمکران به حرم حضرت معصومه (س) نبود، بلکه به صحنه‌ای گسترده برای نمایش آیین‌های سوگواری، مشارکت اجتماعی و همبستگی مردمی تبدیل شده بود. حضور اقوام مختلف، تنوع فرهنگی عزاداران، مشارکت داوطلبان، فعالیت موبک‌ها، نظم اجرایی و همراهی نهادهای خدماتی، مجموعه‌ای از عناصر اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را در کنار یکدیگر قرار داده بود و

#### میراث یک وداع باشکوه

هرچه کاروان به حرم حضرت فاطمه معصومه (س) نزدیک‌تر می‌شد، بر تراکم حضور اقوام مختلف، تنوع فرهنگی عزاداران، مشارکت داوطلبان، فعالیت موبک‌ها، نظم اجرایی و همراهی نهادهای خدماتی، مجموعه‌ای از عناصر اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را در کنار یکدیگر قرار داده بود و

تصویری کم‌نظیر از یک اجتماع بزرگ را شکل می‌داد. با پایان مراسم و آماده‌سازی کاروان برای ادامه مسیر، شهر قم به تدریج به ریتم عادی خود بازمی‌گشت. موبک‌ها آرام‌آرام جمع‌آوری می‌شدند، خودروها مسیرهای خروج از شهر را می‌پوشیدند و خیابان‌هایی که از بامداد مملو از جمعیت بودند، به تدریج خلوت‌تر می‌شدند. صدای نوحه‌های خود را به سکوت باقی می‌ماند، تنها حضور در یک آیین سوگواری نبود؛ بلکه تجربه مشارکت در روایتی جمعی از همدلی، همبستگی اجتماعی، آیین‌های مذهبی و حافظه تاریخی بود؛ روایتی که در آن، قم را بار دیگر به کانون یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات مردمی تاریخ معاصر تبدیل کرد.

#### گفت‌وگو

### معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم در گفت‌وگو با «ایران»:

## تشییع میلیونی، پیام اقتدار و همبستگی ملت ایران به جهان بود



حضور گسترده و کم‌نظیر مردم در آیین تشییع رهبر شهید، از نگاه بسیاری از ناظران صرفاً یک مراسم سوگواری نبود، بلکه نمایش سراسر همبستگی اجتماعی، انسجام ملی و پیوند عمیق اعتقادی مردم با ارزش‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. آیینی که در آن، میلیون‌ها نفر از اقشار مختلف جامعه با حضور خود، تصویری از همبستگی و وفاداری به آرمان‌های انقلاب را به نمایش گذاشتند و بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور یافت. «مرتضی حدیدی»، معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم، در گفت‌وگو با «ایران» با تبیین ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این حضور، آن را ریشه‌دار در ایمان دینی، فرهنگ تاریخی و هویت تمدنی ایرانیان دانست و تأکید کرد این اجتماع عظیم، علاوه بر تجدید میثاق مردم با آرمان‌های انقلاب، حامل پیامی روشن برای افکار عمومی جهان درباره انسجام، پایداری و ظرفیت مقاومت ملت ایران در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی و استمرار مسیر انقلاب اسلامی است.

معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم با اشاره به حضور گسترده مردم در آیین تشییع، این حضور را جلوه‌ای از وفاداری، ایمان و انسجام ملی دانست و اظهار کرد: «حضور پرشور و میلیونی مردم داغدار در مراسم تشییع رهبر شهید، نشانگر ارادت، وفاداری، عشق و علاقه عمیق آنان به رهبرشان بود. روز این وفاداری را باید در ایمان، اعتقاد، عبودیت و اخلاص ایشان در پیشگاه خداوند جست‌وجو کرد.» حدیدی با اشاره به فضای حاکم بر مراسم تشییع تصریح کرد: «مردم با بهایات عشق و احساس در این آیین حضور یافتند، اشک ریختند، سوگواری کردند و بار دیگر وفاداری خود را به نمایش گذاشتند. وی با بیان اینکه پیام اصلی این حضور عظیم برای افکار عمومی جهان بسیار روشن است، گفت: «دنیا باید بداند ایران با بسیاری از کشورهای دیگر در مقاطع مختلف تاریخ دچار فروپاشی یا تحولات ناگهانی شده‌اند، قابل مقایسه نیست. مردم ایران از تمدنی ریشه‌دار، هویتی عمیق و فرهنگی دیرینه برخوردارند؛ تمدنی که امروز بار دیگر در برابر دیدگان جهان جلوه‌گر شده است.»

حدیدی ادامه داد: «روحیه نظم‌ستیزی، آزادی، صبر، شکیبایی، درایت و حکمت مردم ایران در مقابله با ظلم و استکبار، امروز بیش از گذشته مورد توجه جهانیان قرار گرفته و نگاه دنیا به ایران را متفاوت ساخته است. وی اظهار کرد: «قدرت‌های بزرگ با تکبیر برترت، فشاری، توان نظامی و ابزارهای گسترده رسانه‌ای، خود را برتر از دیگران می‌پندارند؛ اما ملت ایران با رهبری رهبر معظم انقلاب، هیمنه استکبار را به چالش کشیده و بسیاری از مبانی فرهنگی و سیاسی نظام سلطه را زیر سؤال برده است.»

#### پیام جهانی پایداری ملت ایران

«مرتضی حدیدی» معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم اظهار داشت: «ممکن است قدرت‌های بزرگ از نظر تجهیزات نظامی، فناوری و

ظرفیت‌های دیپلماتیک برتری‌هایی داشته باشند، اما حرکت ملت ایران به رهبری رهبر انقلاب، در حال شکل دادن به باوری جدید در میان آزادگان جهان است؛ باوری که به تدریج زمینه‌ساز استنادی ملت‌ها در برابر سلطه‌طلبی را تقویت خواهد کرد.» حدیدی تأکید کرد: «قدرت‌های نظامی شاید بتوانند شخصیت‌ها را از میان بردارند، اما هرگز قادر نخواهند بود اندیشه، ایمان، مقاومت و آرمان‌های یک ملت را نابود کنند. تفکر و اعتقاد با ابزارهای نظامی از بین نمی‌رود و آثار این حرکت رو به رشد ملت ایران، در آینده تحولات مهمی را در سطح جهان رقم خواهد زد.» وی خاطرنشان کرد: «در چنین شرایطی، دیگر تنها ایران نخواهد بود که در برابر سیاست‌های سلطه‌جویانه مقاومت می‌کند، بلکه بسیاری از آزادگان جهان نیز جرئت و جسارت بیشتری برای ایستادگی در برابر ظلم پیدا خواهند کرد و این الگو به تدریج گسترش خواهد یافت.»

معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم با اشاره به تحولات فرهنگی و سیاسی جهان گفت: «امروز جریان‌های ملل در پی ترویج یک‌جانبه‌گرایی، سلطه‌طلبی، سطح‌تکبر، بی‌عدالتی، کودک‌کشی و بی‌توجهی به کرامت انسانی است؛ اما ملت ایران با حرکت آگاهانه و هوشمندانه خود در برابر این جریان ایستاده است.» معاون سیاسی و امنیتی استانداری قم در پایان با اشاره به حضور گسترده مردم قم در مراسم تشییع اظهار کرد: «حماسه‌ای که مردم قم در مراسم تشییع رهبر شهید آفریدند، جلوه‌ای از بصیرت، آگاهی و وفاداری آنان بود. اگر این جمعیت صرفاً با احساسات حرکت می‌کرد، شاید مسیر دیگری را برمی‌گزید؛ اما منطق قرآنی، تعالیم الهی و رهنمودهای رهبر انقلاب، از مردم ایران ملتی حکیم، آگاه و زمان‌شناس ساخته است که هر حرکت خود را در جایگاه مناسب و با رعایت موازین اخلاقی، دینی و عقلانی انجام می‌دهد. این حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع رهبر شهید، پیام روشنی از اعتقاد، وفاداری و پایبندی مردم به آرمان‌های انقلاب و نظام را به ایران و جهان مخابره کرد.»



یک سازه عمرانی نیست، بلکه نماد اراده، پیگیری، همدلی و خدمت صادقانه به مردم است؛ پلی که علاوه بر تأمین ایمنی و تسهیل تردد، زمینه‌ساز توسعه و رونق منطقه خواهد بود.» مشاور استاندار مازندران اظهار کرد: «امروز با افتتاح این پل، شاهد فرجام پیگیری، همدلی و خدمت صادقانه هستیم. پل «اروست» فراتر از بتن و فولاد، نمادی از اراده ما برای خدمت به مردم است؛ پلی که مسیر توسعه و رونق منطقه را برای نسل‌های آینده هموار خواهد کرد.» نوبخت تأکید کرد: «راه و روش رهبر شهید باید سرلوحه همه مدیران باشد، چرا که ایشان همواره بر حل مشکلات مردم بویژه در نقاط محروم و روستاها تأکید داشتند که در نقاط محروم و روستاها تأکید داشتند که عملیاتی شد و مصوبه سفر رهبر شهید به این منطقه روی زمین نماند.»

## «اروست» روستایی که با یاد رهبر شهید زنده می‌ماند

روستای محروم «اروست» از توابع شهرستان ساری در دل کوهستان‌های مازندران، هنوز صبح ۲۴ مهر ۱۳۷۴ را فراموش نکرده است؛ روزی که مردم این نقطه دورافتاده، میزبان رهبر شهید بودند؛ سفری که به گفته اهالی، با رها کردن یک دینار، بلکه نقطه آغاز تغییر و امید در روستا بود.

چهارده سال از مناقص سخت‌گذر و کوهستانی مازندران، همیشه با فاصله و دشواری مسیر شناخته می‌شد. در دل همین جغرافیای سنگین، روستای اروست سال‌ها با کمترین امکانات اولیه دست و پنجه نرم می‌کرد؛ جایی که حتی رسیدن به آن برای بسیاری دشوار بود، چه برسد به تصور حضور عالی‌ترین مقام کشور.

اما صبح ۲۴ مهر ۱۳۷۴، این معادله تغییر کرد. خورشید آن روز، برای مردم «اروست» معنای دیگری داشت؛ معنایی که بعدها در حافظه جمعی روستا به یک نقطه عطف

تبدیل شد. مردم روستای محروم و دورافتاده «اروست» بخش چهارده‌انگه شهرستان ساری در مازندران، ۲۴ مهر سال ۱۳۷۴ طلوع آفتاب را در سفر رهبر شهید به این روستا شاهد بودند. کمتر کسی از اهالی روستا باورش می‌شد رهبر شهید ایران، آن روستا را برای بازپس‌اندازی انتخاب کنند. روستایی که هم مسیر دسترسی به آن سخت بود و مشکل و هم محروم از ابتدایی‌ترین امکانات خدماتی.

حضور رهبر شهید در این منطقه نه‌تنها منجر به توجه ویژه به محرومیت‌های روستا و آغاز روند آبادانی شد، بلکه پیوندی عاطفی میان مردم این روستا و مقام معظم رهبری ایجاد کرد. امروز، اهالی روستای «اروست» در حالی این خاطره تاریخی را مرور می‌کنند که در سوگ فقدان رهبر شهید قرار دارند. محمدعلی نوبخت، فرماندار سابق ساری با

#### یاد ایام

# روایت فرهنگی یک وداع باشکوه



گزارش

## همگرایی هنر و فرهنگ عاشورایی



در میان رویدادهای فرهنگی که تلاش می‌کنند میان گذشته تاریخی و تجربه زیسته امروز جامعه ارتباط برقرار کنند، «خیمه هنر» را می‌توان نمونه‌ای از حرکت به سوی بازتعریف نقش هنرآیینی در فضای فرهنگی معاصر دانست؛ رویدادی که با محوریت مفاهیم عاشورایی، تلاش دارد مرزهای میان هنرهای سنتی، هنرهای جدید و مخاطبان متنوع جامعه را کم‌رنگ کند.

مدیرعامل خبرگزاری ایرنا در بازدید از این رویداد، «خیمه هنر» را نقطه برخورد هنرهای قدیم و جدید ایران و محل پیوند سنت‌های تاریخی با تحولات پسااستد در فرهنگ ایرانی توصیف کرد. این نگاه، نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز حوزه فرهنگ است، اینکه چگونه می‌توان میراث‌های هنری و آیینی را از قالب‌های صرفاً تاریخی خارج و آنها را به بخشی زنده از گفت‌وگوی فرهنگی جامعه تبدیل کرد.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه این رویداد، حضور همزمان رشته‌های مختلف هنری است. از اجرای تعزیه و سوگ‌خوانی گرفته تا خلق زنده آثار نقاشی و خوشنویسی؛ برنامه‌های این مجموعه نشان می‌دهد که هنر آیینی همچنان ظرفیت بالایی برای بازآفرینی و ارتباط با مخاطب امروز دارد. حضور هنرمندان در فضای عمومی و شکل‌گیری ارتباط مستقیم میان آفریننده اثر و مخاطب، از دیگر جنبه‌های مهم این تجربه فرهنگی است. در بخش هنرهای تجسمی، هنرمندان با الهام از مفاهیمی همچون ایثار، آزادی، مقاومت و سوگ عاشورا، تلاش کردند روایت‌های تاریخی را در قالب زبان تصویری امروز بازتاب دهند. این روند می‌تواند زمینه‌ای برای عبور از بازتابی صرفاً تکراری مفاهیم آیینی و حرکت به سمت خلق آثار تازه و متناسب با نیازهای فرهنگی جامعه باشد. از سوی دیگر، برگزاری چنین رویدادهایی می‌تواند پاسخی به یکی از مسائل مهم مدیریت فرهنگی باشد؛ یعنی ایجاد فضاهایی که گروه‌های مختلف جامعه بتوانند در آن با هنر ارتباط برقرار کنند. هنر زمانی می‌تواند نقش اجتماعی خود را ایفا کند که از چارچوب‌های محدود خارج شده و به تجربه‌ای عمومی و قابل دسترس برای مردم تبدیل شود.

تأکید بر تداوم سالانه «خیمه هنر» نیز از همین منظر اهمیت دارد. استمرار چنین برنامه‌هایی می‌تواند به شکل‌گیری یک جریان فرهنگی پایدار کمک کند؛ جریانی که نه تنها به حفظ میراث هنری گذشته توجه دارد، بلکه امکان تجربه‌های تازه و حضور نسل‌های جدید هنرمندان را نیز فراهم می‌کند.

از یک سو هنرمتی توانمند در لحظات سوگ و فقدان، زبان بیان احساسات جمعی باشد و از سوی دیگر، بستری برای تداوم گفت‌وگو میان جامعه، فرهنگ و هنرمندان فراهم کند.

در نگاه سیاست‌گذاران فرهنگی، ظرفیتی برای پیوند میان سنت‌های تاریخی و زبان هنری امروز دارد. شفاهی با اشاره به حضور هنرمندان پیشکسوت و جوان در این برنامه، بر گستردگی دامنه مشارکت هنرمندان تأکید کرده است. اجرای تعزیه توسط گروه‌های مختلف، موسیقی‌های سوگ، فعالیت زنده هنرمندان تجسمی و اجرای رفرورمنس‌های ترکیبی، نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد فضایی چندرشته‌ای در روایت یک مناسبت ملی و مذهبی است.

### بازگشت هنر به فضای عمومی

یکی از نکات قابل توجه در این رویدادها، انتقال فعالیت‌های هنری از سالن‌های تخصصی به فضاهای عمومی است. حضور «خیمه هنر» در محدوده تئاترشهر و چهارراه ولیعصر، نشان‌دهنده تلاشی برای نزدیک کردن هنر به مخاطبان گسترده‌تر است؛ مخاطبانی که الزاماً از مسیرهای معمول فرهنگی مانند گالری‌ها، سالن‌های نمایش یا کنسرت‌ها با هنر ارتباط برقرار

نمی‌کنند. این تجربه می‌تواند از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی نیز اهمیت داشته باشد؛ زیرا هنر زمانی بیشترین اثرگذاری اجتماعی را دارد که امکان دسترسی عمومی و مشارکت گروه‌های مختلف جامعه را فراهم کند.

### هنر: زبان مشترک جامعه در لحظات تاریخی

تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که هنر در بزنگاه‌های اجتماعی، نقش مهمی در ثبت حافظه جمعی ایفا می‌کند. از موسیقی و نمایش گرفته تا هنرهای تجسمی و ادبیات، هر یک می‌تواند بخشی از احساسات، خاطرات و برداشت‌های یک جامعه از یک رویداد بزرگ را ثبت و منتقل کنند.

برگزاری برنامه‌هایی مانند «خیمه هنر» در همین چارچوب قابل بررسی است؛ رویدادی که تلاش دارد آیین‌های عاشورایی، هنرهای نمایشی، موسیقی، تئاتر، خوشنویسی و روایت‌های ادبی را در کنار یکدیگر قرار دهد. این ترکیب نشان می‌دهد هنر آیینی

ادبیات و شعر نمود داشته و زمینه تقویت جایگاه هنر را فراهم کرده است. این روایت، بر اهمیت ارتباط میان مدیریت فرهنگی و جامعه هنری تأکید می‌کند، ارتباطی که فراتر از سیاست‌گذاری رسمی، بر پایه تعامل و شناخت ظرفیت‌های هنرمندان شکل می‌گیرد.

در روزهایی که جامعه ایران یکی از مهم‌ترین تشییع‌های تاریخی خود را تجربه می‌کند، حضور هنر در کنار مناسک وداع و سوگواری، بار دیگر جایگاه فرهنگ را در بازتابی رویدادهای تاریخی و اجتماعی برجسته کرده است. سخنان مهدی شفاهی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا، درباره نگاه رهبر شهید به حوزه فرهنگ و هنر، تصویری از رویکردی ارائه می‌دهد که هنر را نه صرفاً به عنوان یک ابزار تزئینی، بلکه بستری برای گفت‌وگو، نوآوری و ارتباط اجتماعی می‌بیند.

شفاهی در این گفت‌وگو بر این نکته تأکید دارد که نگاه رهبر شهید به عرصه‌های فرهنگی و هنری، نگاهی آینده‌نگر و گشایشگر بوده؛ رویکردی که به گفته او در حوزه‌هایی مانند تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی،

### سعیده احسانی‌راد

گروه فرهنگی



## وداع

## فرهنگ شهادت

فرهنگی



چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵  
۲۳ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم  
شماره ۹۰۶۷

Wednesday  
8 July 2026  
Vol 9067

## گفت‌وگو

علی براتی در گفت‌وگو با «ایران» از رفرورمنس باید برخاست گفت

## روایت ایستادگی و استمرار یک مسیر در میادین تهران



طراح و کارگردان: علی براتی  
مجری طرح: محمد حسین درباغی فرد  
تیرماه ۱۴۰۵ / میادین شهر تهران

بازنگران: آصف چادرفرد / پوینت حمزه‌لوی / آرمان صلحی / سعید نوعی  
هادی عبوشی / مسعود بیات / امین معین / فریدون خضرا / ملام محمدی  
امیرحسین لطیفی / مهرداد مهدوی / علی منیری / محمد زندی / طاهاد هفان  
سینا کاظمیان / مهدی نعمتی

### مرکز هنرهای نمایشی سورده تقدیم می‌کند

سهمی در آن داشته باشیم.»  
براتی درباره شیوه اجرای این رفرورمنس نیز گفت: «سعی کردم تمام مفاهیمی را که در شعر وجود دارد، با زبانی کاملاً امروزی و در قالب رفرورمنس به تصویر بکشم. از جایی به بعد، ریتم موسیقی به اندازه‌ای بر مخاطب تأثیر می‌گذارد که ممکن است همه واژه‌ها به‌طور دقیق شنیده نشوند؛ به همین دلیل تلاش کردم حرکت بازیگران، طراحی میزانشن و تصاویر نمایشی، مکمل شعر باشند و مخاطب بتواند معنا را هم از طریق شنیدن و هم از طریق دیدن دریافت کند.»  
او افزود: «در بخش‌هایی از اجرا، مخاطب با تصاویری نمادین از واقعه کربلا، روایت پیامبران و مقاطع مختلف این مسیر روبه‌رو می‌شود. این تصاویر به شکل مستقیم روایت نمی‌شوند، بلکه به صورت نمادین در طول اجرا شکل می‌گیرند تا مخاطب بتواند با برداشت شخصی خود با آنها ارتباط برقرار کند.» به گفته این کارگردان، در طراحی صحنه و اجرای رفرورمنس از المان‌هایی استفاده شده که برای مخاطب امروز آشنا هستند. او در این باره گفت: «تلاش کردیم از نشانه‌ها و عناصری استفاده کنیم که مردم در زندگی روزمره خود با آنها مواجه هستند. همین موضوع باعث می‌شود تماشاگر در مدت کوتاهی با فضای اجرا همراه شود و ارتباط عاطفی لازم را با اثر برقرار کند.»  
براتی درباره زمان اجرای این رفرورمنس نیز اظهار کرد: «نخستین اجرای این اثر پنجشنبه شب گذشته در باغ فردوس برگزار شد و پس از آن نیز اجراهایی در دیگر میادین اصلی تهران داشته‌ایم.»  
او در پایان با اشاره به همزمانی اجرای این اثر با آیین‌های بدرقه

گروه فرهنگی / همزمان با برگزاری آیین‌های بدرقه و تشییع رهبر شهید، رفرورمنس «باید برخاست» نیز در میادین اصلی تهران روی صحنه می‌رود. اجرایی محیطی که با الهام از قطعه موسیقی «باید برخاست» شکل گرفته و تلاش دارد با بهره‌گیری از زبان حرکت، تصویر رفرورمنس، مفاهیمی همچون ایستادگی، مسئولیت اجتماعی و استمرار یک مسیر را برای مخاطبان روایت کند. علی براتی، نویسنده و کارگردان این اثر، می‌گوید بزرگ‌ترین چالش گروه تولید، تبدیل یک موسیقی پرکلام و تأثیرگذار به مجموعه‌ای از تصاویر نمایشی بوده است. براتی درباره نقطه آغاز شکل‌گیری این پروژه گفت: «همه چیز از زمانی آغاز شد که قطعه «باید برخاست» به شکل گسترده‌ای میان مردم شنیده شد و بازتاب زیادی پیدا کرد. این موسیقی ریتم متفاوتی داشت و از استعاره‌هایی استفاده می‌کرد که در عین سادگی، تأثیر عاطفی زیادی بر مخاطب می‌گذاشت. طبیعی بود که برای ما هم این سؤال پیش بیاید که آیا می‌توان بر اساس چنین اثری یک رفرورمنس طراحی کرد یا نه.»

او ادامه داد: «در جلسات مختلف با اعضای گروه درباره این موضوع صحبت می‌کردیم و همه علاقه داشتند ایده‌ای برای اجرای آن پیدا کنیم، اما هرچه بیشتر فکری کردیم، بیشتر به این نتیجه می‌رسیدیم که تصویرسازی برای چنین موسیقی‌ای بسیار دشوار است. حتی تا نخستین جلسه تمرین نیز احساس می‌کردیم امکان ساخت این اثر وجود ندارد، زیرا روایت شنیداری موسیقی آن قدر کامل و قدرتمند بود که تصور می‌کردیم تصویر نمی‌تواند چیزی به آن اضافه کند.»

کارگردان «باید برخاست» افزود: «شب قبل از نخستین تمرین، تا صبح روی اثر فکر کردم. صحنه‌ها یکی پس از دیگری در ذهنم شکل گرفتند و همان شب ساختار کلی اجرا برابرم کامل شد. در واقع می‌توانم بگویم این رفرورمنس در همان چند ساعت متولد شد.»  
براتی با اشاره به مضمون اصلی اثر گفت: «برداشت من این است که این روایت تنها درباره یک شخصیت نیست، بلکه درباره ادامه یافتن یک مسیر است؛ مسیری که از آغاز تاریخ شکل گرفته و در هر دوره، انسان‌هایی مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده گرفته‌اند. هر کدام از این افراد حلقه‌ای از یک زنجیره هستند و مأموریت خود را به نسل بعد منتقل می‌کنند.» او ادامه داد: «در این نگاه، انسان‌های بزرگ صرفاً متعلق به یک مقطع زمانی نیستند، بلکه ادامه‌دهنده راه کسانی هستند که پیش از آنها آمده‌اند. به همین دلیل تلاش کردیم این مفهوم را به زبان نماد و تصویر بیان کنیم و نشان دهیم که مسئولیت ادامه دادن این مسیر، تنها بر عهده یک فرد نیست، بلکه هر یک از ما می‌توانیم

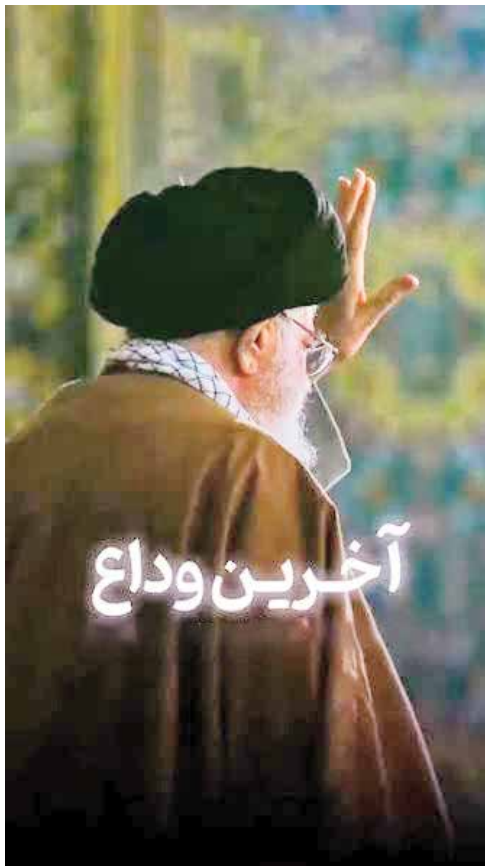
## گفت‌وگو

محمد گلریز در گفت‌وگو با «ایران» از قطعه امین مردم می‌گوید

## خداحافظ گل باغ امامت

### ندا سیجانی

گروه فرهنگی



## آخرین وداع

خدا رحمت کند مرحوم مجتبی میرزاده را که از برجسته‌ترین موسیقیدانان و تنظیم‌کنندگان ایران بود و همچنین مرحوم فریدون شهبازیان که آثار ما را به زیباترین شکل تنظیم می‌کردند و به او هم می‌رسانند. در قطعه «دریغا» هم چه حماسی وجود داشت و هم اندوه و سوگ. این اثر از نظر شعر و ملودی در سطح بسیار بالایی قرار داشت و حتی در خارج از ایران نیز بسیار شنیده شد. با این حال، این دو قطعه قابل مقایسه نیستند؛ هر دو در فضای سوگ ساخته شده‌اند، اما هر کدام ویژگی‌ها و هویت مستقل خود را دارند.»  
این خواننده درباره بازخوردهای مردمی نسبت به قطعه «امین ایران» نیز گفت: «همیشه پیش از اجرای یک شعر، به‌ویژه اگر درباره یک شخصیت باشد، بارها آن را مطالعه می‌کنم تا با شخصیت، منش و رفتار آن فرد آشنا شوم. درباره شهدا نیز همین شیوه را داشتم. درباره حضرت آقا نیز به دلیل دیدارهای مکرر، شناخت نزدیک‌تری از فضای شخصیتی ایشان پیدا کرده بودم. این شناخت برای اجرای درست اثر بسیار مهم است و شعر نیز بر پایه همین شناخت شکل می‌گیرد.»  
در بخشی از قطعه «امین ایران» آمده است:

خداحافظ گل باغ امامت  
خداحافظ شکوه استقامت  
حسینی بودی وقتی حسینی  
امین ما، علمدار خمینی  
خداحافظ... خداحافظ.

نام محمد گلریز سال‌هاست با آثار ماندگار و خاطره‌انگیز موسیقی انقلاب و دفاع مقدس گره خورده است. این هنرمند که در کارنامه خود اجرای ده‌ها اثر ملی و حماسی را دارد، این بار با قطعه «امین مردم» به ادای احترام به رهبر شهید پرداخته است؛ اثری که با بهره‌گیری از مضامین مردم‌داری و ایستادگی، تلاش می‌کند تصویری هنری از شخصیت و جایگاه این چهره ارائه دهد.  
محمد گلریز همزمان با انتشار قطعه موسیقایی «امین ایران» درباره روند تولید این اثر گفت: «قطعه امین ایران پس از شهادت حضرت آقا ساخته شد. از همان ابتدا به همراه دست‌اندرکاران اثر، از جمله شاعر و آهنگساز، تصمیم گرفتیم کاری برای تشییع رهبر شهید تولید کنیم و این فرآیند چند هفته به طول انجامید. شعر این اثر مصطفی محمدی خراسانی سروده و آهنگسازی آن بر عهده رمضان عظیمی بوده است. همچنین برخی هنرمندان، از جمله هادی آرمز، با نوازندگی خود در این پروژه همکاری کردند. تهیه‌کنندگی اثر نیز بر عهده امور سینمایی دفاع مقدس بود. همه دوستان با عشق و از سر ارادت در این پروژه حضور داشتند و هیچ‌یک دست‌مزدی دریافت نکردند.»

او درباره مؤلفه‌های ساخت یک اثر موسیقایی برای شخصیت‌های تاریخی و سیاسی اظهار کرد: «باید اثری ساخته شود که تا حد امکان ابعاد مختلف شخصیت در شعر روایت شود. شعر در چنین آثاری نقش بسیار مهمی دارد، زیرا می‌تواند ابعاد هنری، فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی یک شخصیت را بازتاب دهد. در این اثر نیز با ابیاتی مانند «خداحافظ ای اسوه استقامت / خداحافظ گل باغ امامت» تلاش شده شخصیت حضرت آقا در قالب وداع با ایشان به تصویر کشیده شود. البته باید توجه داشت که در یک قطعه چهار یا پنج دقیقه‌ای امکان پرداختن به همه ابعاد شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وجود ندارد.»

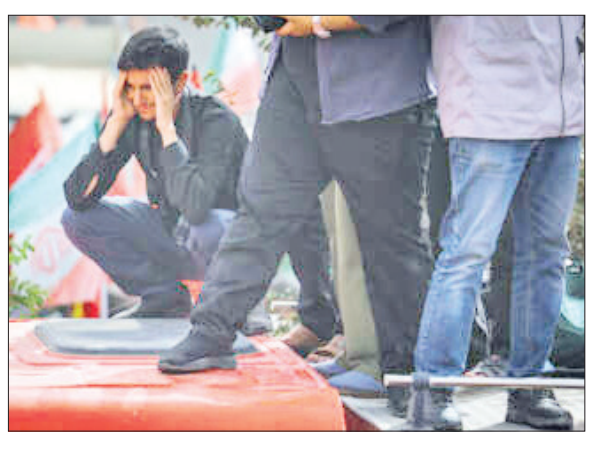
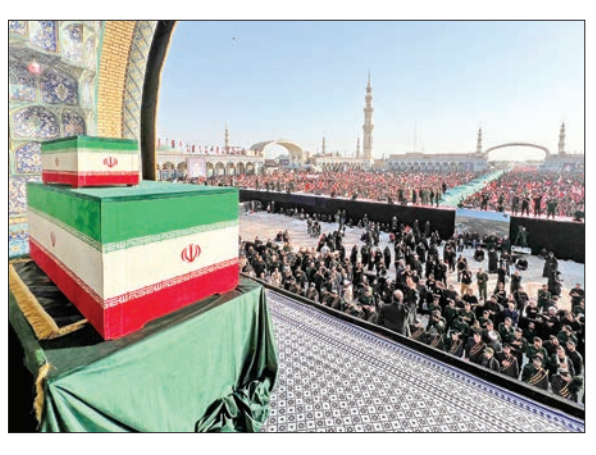
این خواننده در ادامه درباره دیدارهای خود با رهبر شهید گفت: «من دیدارهای متعددی با حضرت آقا داشتم و از نگاه من، ایشان یک دانشمند واقعی بودند و در حوزه‌های مختلف تسلط داشتند. به‌ویژه در عرصه فرهنگ، هنر، شعر و موسیقی اشراف قابل توجهی داشتند. به یاد دارم سال‌ها پیش در مراسم بزرگداشت حافظ در شیراز، که بسیاری از حافظ‌پژوهان خارجی نیز حضور داشتند، حضرت آقا سخنرانی بسیار عمیقی درباره حافظ ارائه کردند. آن سخنرانی را چندین بار مطالعه کردم و شگفت‌زده شدم؛ گویی یک استاد برجسته حافظ‌شناسی سخن می‌گفت. همین عمق دانش را در حوزه موسیقی نیز می‌شد مشاهده کرد.»

او درباره مقایسه قطعه ماندگار «دریغا» که سال‌ها پیش در سوگ امام خمینی (ره) اجرا کرده بود با اثر جدید «امین ایران» نیز توضیح داد: «موفقیت یک اثر تا حد زیادی به آهنگساز بستگی دارد. ملودی و تنظیم و همکاری عوامل مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در ماندگاری اثر

# قم در قامت وداع

قاف

قم، بار دیگر به خروش ایمان و وفاداری بدل شد. از مسجد مقدس جمکران تا حرم مطهر حضرت معصومه (س)، سیل جمعیتی که برای بدرقه و تشییع رهبر شهید گرد آمده بودند، صحنه‌هایی از شکوه، همبستگی و عهدی دوباره را رقم زدند. پرچم‌های برافراشته، اشک‌های جاری، شعارهای همدلانه و گام‌های استوار مردم، روایتی ماندگار از پیوند عمیق امت با آرمان‌های انقلاب اسلامی را به تصویر کشید؛ حضوری که نه تنها آیین وداع، بلکه تجدید میثاقی با راه، اندیشه و میراث رهبر شهید بود که در حافظه تاریخی این سرزمین ثبت خواهد شد.  
khamenei.ir  
ایرنا











# وفاداری در طوفان ماتم

حضور چشم نواز جامعه ورزشی قم در بدرقه و تشییع رهبر شهید

**گروه ورزشی /** قم، دیروز چهره‌های متفاوت به خود گرفته بود؛ شهری که در سوگ نشسته، اما در دل این اندوه، جلوه‌هایی از همبستگی، خدمت و ارادت به رهبر شهید را به نمایش گذاشته بود. از نخستین ساعات بامداد، خیابان‌ها و مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم تشییع پیکر رهبر شهید، مملو از جمعیتی بود که با گام‌هایی استوار و دل‌هایی اندوهگین، بی‌ای وادعی تا پایتختی گرد هم آمده بودند. در این میان، جامعه ورزش استان قم نیز حضور چشمگیر و معنادار در این مراسم باشکوه داشت. ورزشکاران، مربیان، مدیران و اهالی ورزش، نه تنها به عنوان شرکت‌کننده، بلکه در قامت خادمان این آیین عظیم، نقشی فعال و تأثیرگذار ایفا کردند. آنان از روزهای پیش، با برنامه‌ریزی گسترده، اقدام به برپایی موكب‌های خدمت‌رسانی کرده و در ایستگاه‌های مختلف، با شور و اخلاص به استقبال عزاداران رفتند. صحنه‌هایی از همکاری و همدلی شکل گرفت که جلوه‌ای از روح پهلوانی و فرهنگ ایثار را به تصویر می‌کشید. موكب‌های برپا شده توسط اداره کل ورزش و جوانان استان قم، به یکی از کانون‌های

اصلي خدمت‌رسانی در این مراسم تبدیل شده بود. در این موكب‌ها، خدمات متنوعی از جمله پذیرایی از عزاداران، ارائه خدمات پزشکی و امدادی و همچنین امکانات رفاهی برای شرکت‌کنندگان فراهم شده بود. حضور داوطلبانه نیروهای ورزشی در این ایستگاه‌ها، نشان از پیوندی عمیق میان ورزش و ارزش‌های انسانی و انقلابی داشت. همزمان با آغاز مراسم، احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، با حضور در جمع مردم عزادار، در این آیین باشکوه شرکت کرد و با ادای احترام به مقام شامخ رهبر

مناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش و گفت‌وگو با «ایران»:

## فرمایشات رهبر شهید باید چراغ راه ورزش کشور باشد

**مهری رنجبر /** سید مناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش، نوع ارتباط «رهبر شهید» با جامعه را متفاوت از سایر حوزه‌ها دانست و تأکید کرد: «این ارتباط بیش از آنکه رسمی باشد، رنگ و بویی صمیمانه، پدران‌ه و از جنس حرف‌های پدر فرزندی بود.»

مناف هاشمی در ادامه به «ایران» گفت: «همیشه ارتباط رهبر شهید با ورزشی‌ها از جنس معرفت و نصایح پدران‌ه بود و این تفاوت را حتی می‌شد در دیدارهایی با اهالی ورزش نسبت به دیگر حوزه‌ها داشتند، به خوبی احساس کرد. به همین دلیل فضای دیدارهای ورزشی‌ها با رهبر شهید همواره صمیمی، سرشار از عشق و علاقه‌ای خاص بود که همه حاضران از فضای حاکم بر آن لذت می‌بردند.»

هاشمی با اشاره به نگاه حمایتی رهبر شهید نسبت به ورزشکاران توضیح داد: «ایشان همواره به مسئولان ورزش تأکید می‌کردند به وضعیت معیشتی ورزشکاران رسیدگی شود. از یک‌سواز جامعه ورزش انتظار کسب مدال داشتند و از سوی دیگر بر حمایت از ورزشکاران تأکید می‌کردند. در نگاه ایشان، زمانی که یک ورزشکار در میادین بین‌المللی پرچم ایران را به اهتزاز درمی‌آورد، با توجه به تفاوت شرایط با رقابتهای بین‌المللی، این رقابت‌ها در حکم جنگی برای سربلندی کشور تلقی می‌شود.»

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش و همچنین به نکته کلیدی مورد تأکید رهبر شهید اشاره کرد:



رهبر شهید برای این باور بودند که ورزش باید در راستای خنثی‌سازی ناامیدی مردم در جنگ نرم دشمن در میادین بین‌المللی بدرخشد

شهید کاملاً دقیق و راهگشا بود و در صورت توجه و اجرا، می‌تواند چراغ راه آینده ورزش کشور باشد. امیدوارم جامعه ورزش این نکات را به درستی درک کرده باشد. البته ممکن است برخی زودتر و برخی دیرتر به این درک برسند، اما آنچه اهمیت دارد این است که این توصیه‌ها متعادل، به نفع ورزش ایران و در مسیر پیشرفت آن است.»

وی همچنین به نقش ورزش در شرایط خاص کشور اشاره کرد و گفت: «رهبر شهید برای این باور بودند که ورزش باید در راستای خنثی‌سازی ناامیدی مردم در جنگ نرم دشمن، در میادین بین‌المللی بدرخشد. اکنون که حدود دو سال از دولت چهاردهم می‌گذرد، باید این مسیر ادامه پیدا کند. ایشان حدود یک سال پیش عملکرد ورزش کشور در شرایط سخت را بی‌تظیر توصیف کردند و رضایت کامل داشتند.»

هاشمی با اشاره به تأثیر شرایط جنگ تحمیلی بر آمادگی ورزشکاران افزود: «با شروع جنگ تحمیلی، ورزشکاران و تیم‌های ملی نتوانستند آن‌گونه که باید به آمادگی کامل برسند؛ با این حال برای جلوگیری از افت آمادگی، اردوها در استان‌های امن برگزار شد. بدون تردید رقابتی ما مانند زاین،

علی خلیلی، رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی در گفت‌وگو با «ایران»:

## حضور مردم نشان دهنده عمق ارتباط رهبری با جامعه بود

**گروه ورزشی /** در روزهای برگزاری مراسم وداع و بدرقه رهبر شهید، حضور چهره‌های ورزشی و ورزشکاران، بار دیگر جلوه‌ای از همبستگی ملی را به نمایش گذاشت و این واقعیت روشن را آشکار کرد که ورزشکاران همواره پای کار انقلاب و آرمان‌های آن هستند. علی خلیلی، رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی، به همراه مربیان و ورزشکاران این فدراسیون با حضور در مراسم بدرقه رهبر شهید، همراهی خود را با مردم و آرمان‌های ملی اعلام کردند.

رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی همچنین در نظیر بودند که در ایام، مردم‌داری، استکبارستیزی و ایران‌دوستی، نمونه‌ای کم‌نظیر به شمار می‌رفتند. حضور گسترده مردم در مراسم بدرقه، نشان‌دهنده عمق ارتباط ایشان با جامعه بود.

خلیلی در ادامه به حضور خود در این مراسم اشاره کرد و گفت: «ما نیز همچون سایر اقشار مردم، در مراسم بدرقه شرکت کردیم تا ادای احترام خود را به مقام این رهبر بزرگ نشان دهیم. همچنین در



خلیلی در مراسم بدرقه رهبر شهید حضور داشت.

کنار بدرقه رهبر شهید، با رهبر سوم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، یعنی دوباره بستیم تا پیام روشنی به جهان مخابره کنیم؛ اینکه ملت ایران همچنان پشتوانه رهبری خود است.» او در ادامه توضیح داد: «امیدوارم با هدایات و رهنمودهای رهبر انقلاب، بتوانیم در برابر دشمنان ایستادگی کرده و به پیروزی‌های بزرگ‌تری برای کشور دست یابیم.» خلیلی با اشاره به نقش فدراسیون ورزش‌های همگانی در دوران «جنگ رمضان» توضیح داد: «از همان ابتدای روزهای جنگ تحمیلی، فدراسیون ورزش‌های همگانی با راه‌اندازی پویش «یک ایران در میدان» تلاش کرد تا در کنار مردم باشد. هدف ما تقویت روحیه تاب‌آوری جامعه، چه از نظر ذهنی و چه جسمی، بود تا بتوانیم سهمی در آرامش و پایداری مردم ایفا کنیم.»

وی با تأکید بر اهمیت نقش اجتماعی ورزش در جامعه توضیح داد: «ورزش تنها به فعالیت بدنی محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری برای ایجاد امید، همدلی و افزایش توان روانی جامعه است. ما در این مسیر تلاش کردیم با برنامه‌های مختلف، مردم را به حفظ نشاط و انسجام دعوت کنیم.»

حسن سلطانی، مدیرکل ورزش و جوانان استان قم در گفت‌وگو با «ایران»:

## رهبر شهید، ورزش را بهترین مسیر برای تعالی انسان می‌دانستند

**گروه ورزشی /** حسن سلطانی، مدیرکل ورزش و جوانان استان قم، درباره برگزاری مراسم بدرقه و تشییع رهبر شهید در قم، با اشاره به پیشینه میهمان نوازی مردم این شهر گفت: «میهمان دوستی مردم قم با استقبال تاریخی از حضرت فاطمه معصومه (س) در حافظه تاریخ ثبت شده است و این بار نیز در مراسم بدرقه رهبر شهید، افتخار میزبانی میلیون‌ها نفر از عاشقان سراسر جهان نصیب این شهر شد. جامعه ورزش استان هم دوشادوش مردم به میدان آمد و با برپایی موكب‌ها، در پذیرایی و استقبال از میهمانان نقش‌آفرینی کرد.»

وی درباره نحوه مشارکت جامعه ورزش قم در این مراسم توضیح داد: «بیش از ۱۰ موكب به صورت سازماندهی شده در سطح شهر برپا شد و در کنار آن، ورزشکاران، هیأت‌ها، تیم‌ها و باشگاه‌ها نیز به صورت خودجوش اقدام به برپایی موكب و پذیرایی از حاضران کردند. همچنین سالن‌های ورزشی با حمایت وزیر ورزش و استانداری برای اسکان ۶ هزار نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم تجهیز شد. فرصتی طلایی که جامعه ورزش آن را مغتنم شمرد.»



سلطانی با اشاره به حضور چهره‌های شاخص ورزشی در این مراسم گفت: «بیشکسوتان و قهرمانان زیادی از استان‌های مختلف به قم آمدند، اما تمایلی به مطرح شدن نام‌شان نداشتند. حتی فراخوانی نیز اعلام شد، اما استان‌ها ترجیح دادند نام افراد ذکر نشود و بسیاری از آنان خواستند در این مراسم گمنام باقی بمانند.»

مدیرکل ورزش و جوانان استان قم در ادامه، درباره جایگاه رهبر شهید در میان جامعه ورزش بیان کرد: «رهبر شهید از جمله مراجعی بودند که نگاه ویژه‌ای به ورزش داشتند. ایشان خود نیز اهل ورزش بودند و آن را برای تأمین سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها بسیار مهم می‌دانستند. از سوی دیگر، ورزش را بهترین مسیر برای تعالی انسان معرفی می‌کردند و معتقد بودند این حوزه می‌تواند شادترین و در عین حال مؤثرترین راه برای رسیدن به کمال الهی باشد. ایشان این دیدگاه را درک کرده و در دیدار با قهرمانان و مسئولان ورزشی نیز بر آن تأکید می‌کردند؛ موضوعی که نشان‌دهنده نگاه متفاوت و عمیق ایشان به کارگرهای گوناگون ورزش بود.»



ساعی به یکی از به‌یادماندنی‌ترین خاطراتش اشاره کرد و گفت: «هرگز فراموش نمی‌کنم که پس از حضور در مسابقات قهرمانی جهان، از دفتر ایشان با مربیان تیم ملی بانوب که عنوان بهترین مربی جهان را کسب کرده بودند، تماس گرفته شد. در این تماس، با انتقال پیام تبریک ایشان، از این مربیان با

### گفت‌وگو

فرشته قربانی، ملی‌پوش پیشین تیراندازی با کمان در گفت‌وگو با «ایران»:

## لحظه تقدیم مدالم به «آقا» را تا ابد فراموش نمی‌کنم



**پریسا غفاری /** فرشته قربانی، ملی‌پوش پیشین تیم ملی تیراندازی با کمان، که به همراه نیما حتی موفق به کسب مدال برنز رشته کامپوند در بازی‌های آسیایی جاکارتا شد، بخشی از خاطرات خود از آن دوران و دیدار با رهبر شهید را بازگو می‌کند؛ روایتی آمیخته با احساس و ماندگاری یک تصمیم. او در ابتدای صحبت‌هایش با اشاره به دیدار خود با رهبر شهید، از لحظه‌ای خاص یاد می‌کند: «پذیرایی حاضران اهدا شد. انگشتی که به من رسید کمی بزرگ بود، اما هیچ‌وقت آن را کوچک نکردم تا همان‌طور دست‌نخورده باقی بماند؛ و هنوز هم به همان شکل نگه داشته‌ام.»

مدال آور بازی‌های آسیایی در ادامه، درباره تصمیمش برای تقدیم مدال خود به رهبر شهید توضیح می‌دهد: «حدود یک ماه پس از بازگشت از جاکارتا، به همراه سایرمدال‌آوران بازی‌های آسیایی به دیدار ایشان رفتم. در آن دیدار، مدالم را به ایشان تقدیم کردم. واقعتاً این است که آن مدال برای من بسیار ارزشمند بود؛ پشت آن سال‌ها تلاش، سختی، دعای پدر و مادر و زحمات مربیانم قرار داشت، اما ترجیح دادم با تقدیم این مدال ارادت خود را به ایشان نشان دهم.»

او با تأکید بر نگاه اعتقادی خود به مفهوم قهرمانی ادامه می‌دهد: «به باور من، ارزش واقعی یک مدال فقط به آویختن آن بر گردن یک قهرمان خلاصه نمی‌شود. اگر بتوانی آن افتخار را در مسیر اعتقادات و ارزش‌ها هزینه کنی، ارزشمندتر خواهد بود. به همین دلیل، با افتخار مدالم را به رهبر شهید که برای همه ما زحمت کشیده‌اند، تقدیم کردم. آن لحظه برای من یک درس بود؛ درسی که افتخار ماندگاری‌اش تا همیشه در ذهن و دلم باقی خواهد ماند.»

او در پایان با یادآوری جزئیات آن دیدار می‌گوید: «ایشان مدال را با مهریایی پذیرفتند و گفتند که آن را به امانت نگه می‌دارند و بعداً به من بازمی‌گردانند. بارها فیلم آن لحظه را دیدم و هر بار اشک ریخته‌ام. امیدوارم خاوند به همه ما صبر بدهد تا بتوانیم این غم بزرگ را تحمل کنیم و با آن کنار بیاییم.»

مهدی میرجلیلی، رئیس بسیج ورزش کشور در گفت‌وگو با «ایران»:

## جامعه ورزش ادای دین کرد



**گروه ورزشی /** در پی برگزاری مراسم باشکوه وداع و بدرقه رهبر شهید، حضور گسترده اقشار مختلف مردم، جامعه ورزش کشور نیز حضوری پررنگ و معنادار در این آیین داشت.

مهدی میرجلیلی، رئیس سازمان بسیج ورزش کشور، با اشاره به حمایت‌های دلسوزانه رهبر شهید از ورزش و پشتیبانی از قهرمانان و مدال‌آوران در مقاطع مختلف، درباره حضور پررنگ ورزشکاران و مربیان در این رویداد بزرگ گفت: «ورزش ایران با حضور خود در این مراسم، به نوعی به رهبر شهید ادای دین کرد.»

میرجلیلی با اشاره به جایگاه ویژه رهبر شهید در میان ورزشکاران توضیح داد: «رهبر شهید همواره از حامیان اصلی جامعه ورزش بودند و بدون تردید، مسیر پیشرفت و موفقیت ورزش ایران را تبعیت از فرمایشات ایشان، شفاف‌تر و هم‌اثرتر دنبال خواهد شد. نگاه حمایتی و راهبردی ایشان به حوزه ورزش، همواره موجب دلگرمی ورزشکاران و فعالان این عرصه بود و مطمئناً در آینده نیز فرمایشات ایشان سرلوحه کار مدیران دستگاه ورزش خواهد بود.»

وی در خصوص حضور گسترده ورزشکاران در مراسم بدرقه ادامه داد: «رابطه صمیمی، عاطفی و پدران‌ه رهبر شهید با ورزشکاران سبب شد تا جامعه ورزش، به معنای واقعی داغدار و عزادار باشد. حضور آنان در این مراسم نیز برخاسته از همین پیوند عمیق است؛ چراکه ورزشکاران احساس می‌کنند پدر و حامی خود را از دست داده‌اند.»

رئیس سازمان بسیج ورزش کشور همچنین با اشاره به دیدارهای مکرر ورزشکاران با رهبر شهید گفت: «ایشان بارها با دیدار با ورزشکاران، توصیه‌های ارزشمند و راهگشایی ارائه می‌کردند. نحوه برخورد ایشان با ورزشکاران کاملاً پدران‌ه بود و همواره به مسئولان تأکید داشتند که با قهرمانان و ورزشکاران نیز با چنین رویکردی تعامل داشته باشند.»

میرجلیلی در ادامه، حضور جامعه ورزش در مراسم بدرقه را دارای پیامی ارتزاقی یک حضور مرسوم دانست و تصریح کرد: «این حضور را می‌توان نشانه‌ای از خون‌خواهی رهبر شهید و تجدید بیعت با رهبر سوم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، دانست. جامعه ورزش با این حضور نشان داد که درس مقاومت و وفاداری را از مکتب عاشورا آموخته و مصمم است راه رهبر شهید را با اقتوت ادامه دهد و بی‌اتکا به این مسیر، پرچم ایران را در میادین بین‌المللی برافراشته نگه دارد.»

الشرق الأوسط: مردم با آیت الله خامنه‌ای در شهر قم وداع کردند. عزاداران در نماز تشییع رهبر شهید ایران آیت الله علی خامنه‌ای که در حمله آمریکا و اسرائیل شهید شد در مسجد جمکران در قم شرکت کردند.

الجزیره: پیکر آیت الله خامنه‌ای به شهر مقدس قم رسید. صدها هزار عزادار در مسجد جمکران در جنوب قم برای مراسم تشییع رهبر شهید ایران آیت الله علی خامنه‌ای گرد هم آمدند. مراسم قرار است در شهرهای مقدس نجف و کربلا در عراق ادامه پیدا کند و در نهایت با خاکسپاری در مشهد به پایان برسد.

بی بی سی: مقاومت و انتقام؛ ایران می‌خواست در مراسم وداع با آیت الله خامنه‌ای پیامی بفرستد. ۳ روز عزای عمومی در تهران برای رهبر شهید ایران با یک مانور سیاسی بزرگ که مسئولان ایران می‌خواستند دنیا آن را ببیند، به پایان رسید.

انewz: ای زی نیوز: عزاداران در مراسم تشییع رهبر شهید ایران آیت الله علی خامنه‌ای در شهر قم ادای احترام کردند.

AA: آنتولی: برگزاری مراسم وداع با رهبر سابق ایران آیت الله خامنه‌ای در قم. میلیون ها ایرانی، در حالی که پرچم و پوستر در دست داشتند، از ساعات اولیه صبح برای شرکت در مراسم وداع با رهبر سابق این کشور آیت الله علی خامنه‌ای که در حمله آمریکا و اسرائیل شهید شد، در شهر قم در ایران گرد هم آمدند.

طلوع نیوز: قم میزبان مراسم تشییع رهبر سابق ایران آیت الله علی خامنه‌ای. صدها هزار نفر در مراسم شرکت کردند تا با ایشان و برخی از اعضای خانواده‌اش ادای احترام و با آنها وداع کنند.



Crowds Bid Farewell to Khamenei in Iranian City of Qom

### سبک زندگی رهبر شهید

اسماء غفاری روزنامه‌نگار فقط ساخت ایران در گفتمان اقتصادی آیت الله سید علی خامنه‌ای، «کالای ایرانی» صرفاً یک انتخاب مصرفی نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان با عنوان «اقتصاد مقاومتی» است. آنچه از مضامین سخنان ایشان در دیدارها و پیام‌های مختلف برمی آید این است که این مفهوم طی سال‌های اخیر از سطح توصیه اقتصادی فراتر رفته و به یک فرهنگ عمومی در سطح جامعه تبدیل شده. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که از ایشان ابلاغ شده دایماً بر انکار ظرفیت‌های داخلی تأکید شده است. این مسأله برای آقای به حدی حایز اهمیت بود که با نامگذاری

سال ۱۳۹۷ به نام «حمایت از کالای ایرانی»، این موضوع را به سطح افکار عمومی مردم و متن زندگی‌ها وارد کردند. ایشان با تأکید بر اهمیت استفاده از کالای ایرانی و اولویت خرید تولید داخلی، تلاش کردند الگوی مصرف جامعه را از وابستگی به واردات واز مصرف گرایی به استقلال تغییر دهند. ایشان می‌فرمودند: «ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب و زیبا همراه با سلیقه و با دوام در ذهن مصرف کننده ایرانی و غیرایرانی باقی بماند.» ایستادگی ایشان در این مسأله به حدی بود که در زمان همه‌گیری ویروس کرونا علی‌رغم اصرار اطرافیان، حاضر به استفاده از واکسن‌های خارجی نشدند و در این باره فرمودند: «من به دوستان هم گفتم که منتظر



روزنامه‌نگار

### یادداشت

#### رهبر به مثابه نماد وحدت

تحلیل جامعه‌شناختی سوگ در بزنگاه‌های تاریخی دکتر مصطفی آبروشن جامعه‌شناس و استاد دانشگاه درک عمیق سوگ ملی برای رهبر انقلاب، فراتر از تحلیل‌های سرد سیاسی و تئوری‌های خشک دانشگاهی است؛ این پدیده را باید در لایه‌های پنهان قلب یک ملت جست‌وجو کرد. وقتی رهبری که چون ستون خیمه یک سرزمین، سال‌ها تکیه‌گاه روانی جامعه بوده است از میان می‌رود، آنچه فرو می‌ریزد تنها یک جایگاه مدیریتی نیست، بلکه امنیت خاطر جمعی است که دچار زلزله می‌شود. در این لحظات سخت، ملت در یک تنهایی بزرگ مشترک به هم می‌پیوندد. انگار همه آدم‌ها با هر سلیقه و عقیده‌ای، در یک لحظه نادر، معنای فقدان را به یک زبان مشترک بی‌صدا تجربه می‌کنند. این همان نقطه‌ای است که اندوه فردی، از حصار خانه‌ها بیرون می‌زند و به خیابان‌ها می‌آید تا در قالب سوگی ملی، پیوندی دوباره میان آدم‌هایی که شاید در روزهای عادی فاصله‌های زیادی با هم داشتند، ایجاد کند. این سوگ، بازتابی از یک پیوند عاطفی دیرین است که در عمق هویت جمعی ریشه دوانده؛ انگار بخشی از وجود تک‌تک افراد است که با رفتن او، دچار خلأ می‌شود. در این لحظات، مرزهای میان من و دیگری کم‌رنگ می‌شود و نوعی همدلی غریزی، جامعه را در برمی‌گیرد که شاید در هیچ زمان دیگری به این شدت تجربه نشود. در روزهای سوگ، انگار زمان برای یک ملت متوقف می‌شود و آیین‌های عزاداری، به پلی تبدیل می‌شوند که میان دیروز پرخطر و فردای نامعلوم کشیده شده است. وقتی مردم شانه به شانه هم در این مناسک حضور می‌یابند، ناخودآگاه جمعی‌شان پیامی واحد را مخابره می‌کنند: ما هنوز هستیم و این پیوند تاریخی، با یک فقدان گسسته نمی‌شود. اینجاست که رهبر، از یک شخصیت سیاسی، به یک خاطره مقدس تبدیل می‌شود؛ خاطره‌ای بلکه دیگر نه نقد می‌شود و نه تحلیل، بلکه به بخشی از تار و پود هویت ملی بدل می‌گردد. در این فضای غبارآلود اندوه، آدم‌ها بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نیاز دارند تا با تکیه بر این گرمای عاطفی، از سردی تنهایی بعد از رهبر عبور کنند. این سوگ، بیش از آنکه برای گذشته باشد، تلاشی است برای بقا و حفظ آن چیزی که ما بودنمان را تعریف می‌کند. در تلاطم چنین فقدانی، آیین‌ها به کمک می‌آیند تا به بی‌نظمی حاکم، تاریخ است.

### اینجا قم



همدردی با خانواده زهرای ۱۴ ماهه. عزاداران رهبر شهید، غم دیگری را هم روی شانه‌هایشان حس می‌کنند؛ شهادت نوه حضرت آقا. دیروز در قم هم مثل تهران، خانواده‌هایی که کودک خردسال

### عکس نوشت



در سایه پرچم، در میانه سوگ سپاهی گسترده لباس عزاداران که نشان از ماتمی فراگیر دارد، در کنار سرخی پرچم امام حسین (ع) که به واسطه آن، غم شخصی مردم یا روایت کهن عاشورا پیوند می‌خورد. این همنشینی، تشییع را به رویدادی همدلانه بدل می‌کند. گویی رهبر در قامت شهیدی در دلبذرت‌ترین نشانه این کادر اما، کشش دو سرباز است که پرچم را نه برای نمایش قدرت، بلکه برای سایه‌بان ساختن بر سر زنی سوگوار بالا گرفته‌اند. این تصویر، رابطه میان نهاد نظامی و مردم را از حالت سلسله‌مراتبی خارج می‌کند و آن را به کنش‌های مراقبتی و همراهی تبدیل می‌سازد.

احسان صالحی: آقا جان به چشم آمدیم؟ ما از شما دل برنی داریم شما هم از ما چشم بردار. بعد از ۹ اسفند دنیا به عقب برنی کردد ما هم آدم‌های قبل نیستیم. جنگ و مقاومت جانانه فقط نظم و معادلات جهان را عوض نکرد. نظم ایران را هم عوض می‌کند. ملت خامنه‌ای هر روز تماشایی‌تر می‌شود. قوی‌تر و با انگیزه‌تر.

سکایت‌هایی: خدا کنه حالا که آقا بعد از چند دهه داره میره کریلا، بذارن به کم بیشتر توی حرم باشه؛ حتما خیلی دلش تنگه برای حرم ارباب

علی اکبر احمدیان: امروز آقای شهید ایران خود به میدان آمد و با خون خویش حجت را بر همگان تمام کرد و مسئولیتی سنگین‌تر از گذشته بردوش همه ما نهاد. جوشش خون او، علت بعثت مردمی شد که امروز یک‌صدا فریاد زدند: «هیئات متا الذله.»

Faraj Komijani: حضور باشکوه مردم در آیین تشییع پیکر پاک رهبر شهید ایران بار دیگر نشان داد بزرگترین سرمایه ایران مردم‌اند. پاسداشت این سرمایه، تنها با احترام به اراده ملت، حاکمیت قانون، گفت‌وگو، انسجام ملی و گشودن راه توسعه، رفاه و امید برای همه ایرانیان ممکن است.

محمدحسین یوسفکار: آهسته گفتمت: به سلامت؛ اما عمیق گریستم: .....

Javad Gharazi: افتخارم این است که قطره‌ای از امواج بلند دریای شرافت ایرانی هستم. این است که با وجود همه انتقاداتی که به دولت‌ها و مسئولین داشته‌ام دارم، هرگز به کشورم خیانت نکردم و با همه وجود، تا پای جان برای سربلندی میهن تلاش کردم. ما تا آخر ایستاده‌ایم.

حسین‌الدین کتانا: تشییع ایرانی تشییع را جهانی کرد.

Reza Mansouri: سرانجام این «صهیون گراهای وحشی راست قامت»، که هنوز به «انسان خردمند» فرنگشته‌اند به دست انسان ایرانی رام خواهند شد. همان ایرانی که ده‌ها هزار سال پیش در «هلال حاصل خیز» تا مدیترانه گیاه و حیوان را رام کرد. نه با جنگ که به روش ظریفانه ایرانی.

Zahra Chahkmaghi: در ساعت ۷ صبح تا ۴ ظهر در نقطه‌ای ثابت بودم برای گزارش... مردمی که در این قاب‌ها و عکس و فیلم نمی‌گنجد اولویت‌شان نه دیدن تابوت و پیکرو نه حتی ذراتی غرزدن نسبت به ناهماهنگی‌ها بود. بلکه زیر آفتاب داغ و گرما آمده بودن برای ایفای نقش در ۱۵ تا ۱۷ می گفتند او برای ما جان داد.

بابک‌کعبانی: هسته سخت این نظام، ۹۰ میلیون ایرانیست.

Seyyed Abbas Salehi: دشمنان زبان قدری را رها نکرده‌اند. اگر از شکست‌های گذشته عبرت نگرفته‌اید، از حضور گسترده و عاشقانه میلیون‌ها ایرانی در بدرقه رهبر شهید درس بگیرید. ایران از حقوق خود عقب نشینی نمی‌کند، چه در دفاع و چه در دیپلماسی. ما ملت متفاوتی مواجه هستیم، با پریشان‌گویی خود را رسواتر نکنید.